

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۰۷

جمعه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۴، ۸ مای ۲۰۱۵

اول مه ۲۰۱۵

روز تجلی عزم و اراده طبقه کارگر در ایران

اول مه امسال است.

علیرغم تشدید فضای سرکوب و اعدام و براه افتادن موج گسترده ای از دستگیری و احضار فعالین کارگری از سوی جمهوری اسلامی، روز ۸ اردیبهشت کارگران به استقبال روز جهانی کارگر رفتند و موفق به برپایی یک تجمع مهم در مقابل مجلس اسلامی شدند. در این تجمع صفحه ۲

اول مه امسال روز تجلی عزم و اراده طبقه کارگر و نقطه اوجی در جنبش کارگری در ایران بود. انتشار بیانییه ها و قطعنامه هایی که اهداف و خواستهای همه کارگران و کیفرخواست طبقه کارگر علیه حاکمیت اسلامی سرمایه در ایران را بیان میکند، اعلام همبستگی معلمان با کارگران، و خنثی کردن و به عقب راندن تلاشهای ارتجاعی خانه کارگر در راهپیمانی ۱۱ اردیبهشت از دستاوردهای

فراخوان کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به مردم شهرهای کردستان

صفحه ۹



مردم آزادیخواه مهاباد در تجمع اعتراضی خود هتل "تارا" را به آتش کشیدند

صفحه ۹

مردم شهرهای کردستان به حمایت از اعتراضات مردم مهاباد می پیوندند

صفحه ۶

درس های گرانبهای کارگران نورد و لوله صفا

اصغر کریمی

صفحه ۳

ویژگی های اول مه امسال در ایران

مصاحبه با شهلا دانشفر

صفحه ۴

پس از توافقات هسته ای حکومت اسلامی و دولتهای ۵+۱ (اپوزیسیون راست)

علی جوادی

صفحه ۷

یادداشت های هفته

عمیر تقوایی

خانه کارگر باید منحل شود!

اسلامیت حکومت و اسلام گریزی مردم!

"لبه خطرناک" اینترنت فیلتربردار نیست!

صفحه ۵

هزاران معلم در سراسر کشور دست به تجمعات اعتراضی زدند

صفحه ۲

گزارشهایی از روز جهانی کارگر در ایران و شهرهای مختلف دنیا

صفحات ۱۱، ۱۲ و ۱۳

تجمعات گسترده و هزاران نفره معلمان در شهرهای کردستان

صفحه ۱۰

برای محمود صالحی و عثمان اسماعیلی قرار بازداشت

پانزده روزه داده شده است
بازداشت ابراهیم مددی و داود رضوی ادامه دارد

صفحه ۱۴

اول مه ۲۰۱۵

روز تجلی عزم و اراده طبقه کارگر در ایران

از صفحه ۱

قطعه‌نامه‌ای از سوی هفت تشکل مستقل کارگری که بیانگر خواسته‌ها و اعتراض و کیفرخواست کارگران بود قرائت شد که می‌تواند پلاتنفرم اتحاد عملی فعالین کارگری و مبارزه متحد کارگران ایران باشد.

مفاد این قطعه‌نامه صدای رسایی علیه وضع موجود است. صدایی که خواسته‌های اکثریت عظیم جامعه ایران برای داشتن یک زندگی انسانی و مرفه و فارغ از خفقان و ستم و تحقیر را بیان می‌کند. صدائی که اعلام می‌کند دستمزد تحقیر آمیز ۷۱۲ هزار تومانی را نمی‌پذیرد، از مبارزات و خواسته‌های برحق معلمان و پرستاران قاطعانه حمایت می‌کند، و خواستار لغو مجازات اعدام و شلاق و آزادی بی‌قید و شرط کلیه کارگران و زندانیان سیاسی است. اعلام می‌کند قوانین تبعیض آمیز در مورد زنان باید لغو شود، "هرگونه تبعیض از کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت‌ها در ایران" باید رفع شود، آزادی بی‌قید و شرط اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع، اندیشه و بیان، احزاب و مطبوعات باید برسمیت شناخته شود، و کار کودکان باید ممنوع شود. اعلام می‌کند گسترش جنگ و جنایت در خاورمیانه نتیجه بن بست مناسبات سرمایه داری است و کارگران و مردم جهان را به اعتراض به این شرایط فرا می‌خواند.

این قطعه‌نامه و یا منشور آزادی جامعه از قید خفقان و فقر و اتحاد کارگری حول آن از یکسو نوید بخش افقی روشن در مقابل جامعه و از سوی دیگر موجب کابوس دشمنان مردم است. نه فقط جمهوری اسلامی که اپوزیسیون بورژوازی حکومت اسلامی نیز از این تحریک کارگران احساس بیم و هراس می‌کند. چرا که طبقه کارگر با این منشور دورنمای آزادی و برابری را در برابر جامعه می‌گشاید و می‌خواهد با نیروی متحد و متشکل بعنوان رهبر مبارزه توده‌ای برای دستیابی به آزادی و رفاه یا به میدان بگمارد و رژیم اسلامی و کل حاکمیت سرمایه را به چالش بکشد.

اما اول مه امسال به این قطعه‌نامه و تجمع ۸ اردیبهشت محدود نبود. اعتراضات کارگری متعدد، برگزاری اول مه در اندیشمک و دزفول و سنندج و میوان و سقز و شهرهای دیگر و صدور قطعه‌نامه‌هایی با مضمون مشابه از دیگر جلوه‌های اول مه امسال بود. در تجمعات میوان و سنندج معلمان نیز شرکت داشتند و با کارگران قطعه‌نامه مشترکی صادر کردند. معلمان همچنین در تجمع کارگران در هشت اردیبهشت در تهران شرکت کردند و همبستگی خود را با کارگران اعلام داشتند. این حرکت گام مهمی به جلو در ادامه مبارزات چند ماه اخیر معلمان است.

فشار اعتراضات و مبارزات کارگری امسال در عین حال باعث شد که خانه کارگر بعد از ۸ سال به دست و پا بیفتد و فراخوان تظاهرات اول مه در تهران بدهد. اما اینجا نیز تلاش مذنبوحانه شان برای مخدوش کردن خواسته‌ها و مطالبات اصیل و رادیکال کارگری با تعریف و تمجید از روحانی و خامنه‌ای و ریعی و دشمنی فاشیستی با کارگران مهاجر افغان ساکن ایران به شکست انجامید و به ضد خود تبدیل شد. هزاران کارگری که در این روز علیرغم تمهیدات

نیروهای پلیس برای متفرق کردن آنها به خیابانها آمده بودند تلاش کردند که خواسته‌ها و مطالبات خود را بیان دارند و با اعتراض خود باعث قطع سخنرانی محبوب شدند. کارگران و مردم معترض با شعار فاصله خط فقر با دستمزدها باید پر شود، به میدان آمدند، شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد را سر دادند، از خواسته‌های خود و حق بیمه‌های اجتماعی سخن گفتند و در برابر شعارهای فاشیستی خانه کارگر شعار "نه قومیت، نه ملیت، زنده باد انسانیت" را مطرح کردند.

خانه کارگر بعنوان بخشی از جمهوری اسلامی همواره مدافع سیاستها و شعارهای نژادپرستانه و فاشیستی علیه کارگران خارجی و بویژه کارگران مهاجر افغان در ایران بوده است. سعی کرده و می‌کند تا کارگران مهاجر افغان را که سخت‌ترین و پر مشقت‌ترین کارها را انجام می‌دهند و مورد بیشترین استثمار و بهره‌کشی قرار می‌گیرند، بعنوان عامل بیکاری معرفی کند تا سرمایه داران و دولتشان را از گزند اعتراض متحد کارگران مصون نگاه دارند. تبلیغات زهرآگین علیه کارگران افغان و تلاش مذنبوحانه و تفرقه افکنانه در روز کارگر یعنی روزی که نماد اتحاد و همبستگی بین المللی طبقه کارگر است نتیجه‌ای جز رسوا شدن هر چه بیشتر خانه کارگر بهرمانند داشت. بطوری که بعد از اعتراضات زیادی که از جانب تشکلهای کارگری علیه طرح شعارهای افغان ستیزانه شد سعی کردند از آنها فاصله بگیرند. حتی صادقی معاون خانه کارگر جمهوری اسلامی ناگزیر شد اعلام کند در شعارها اشتباه شده! آنها نتوانستند پیام اتحاد کارگری در اول مه را خشنه دار کنند چرا که در قطعه‌نامه ۷ تشکل مستقل کارگری به صراحت خواست طبقه کارگر چنین نوشته شده بود: "ما خواهان رفع هرگونه تبعیض از کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت‌ها در ایران، توقف فوری اخراج آنان و اعطای حقوق شهروندی به این دسته از هم طبقه‌ای‌های خود هستیم".

طبقه کارگر برای پایان دادن به مصائب و مشقات جامعه سرمایه داری راه حلی را عرضه می‌کند که به اسارت بشر و تساوی همگان در بهره‌مندی از امکانات و ثروت جامعه بشری تأکید دارد. دور ریختن حصارهای ملی، نژادی و مذهبی و شکل‌گیری اتحاد و همبستگی بین المللی کارگری در مقابل سرمایه داری حیاتی‌ترین امر فراروی صفوف کارگری است.

در اول مه ۱۳۹۴ اعزام راسخ طبقه کارگر برای پی ریزی این اتحاد طبقاتی حول پلاتنفرم ۱۷ ماده‌ای مصوب ۷ تشکل مستقل کارگری به نمایش گذاشته شد. این یک قدمی بزرگ در مسیری درست برای به چالش کشیدن حکومت سرمایه داران و ظاهر شدن بعنوان رهبر اعتراضات اجتماعی در ایران است. این تنها راه نجات جامعه از منجلاط فقر و نداری و ظلم و ستم و استثمار است. این موفقیت و پیروزی را به همه کارگران ایران تبریک می‌گوئیم.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۴ - ۳ مه ۲۰۱۵

هزاران معلم در سراسر کشور دست به

تجمعات اعتراضی زدند

خواست از تجمع در جلوی اداره اجتناب کنند و به سالن کنفرانس اداره برای شنیدن نظرات و شکایات خود بیایند اما معلمان حاضر به حضور در سالن کنفرانس نشدند و اظهار کردند باید

پاسخگوی آنها در همین مکان و بیرون از ساختمان باشد. در تبریز معلمان بیانیه صادر کردند و خواهان عدالت، بهبود معیشت، طرح هماهنگ سازی و تشکیل مجلس نمایندگان معلمان در هر استان شدند. در این بیانیه معلمان نوشته اند که افزایش ۱۴ درصدی حقوق جوابگوی معیشت خانواده‌ها نیست. در میوان معلمان با بیانیه‌ای خواهان آزادی معلمان زندانی و لغو کلیه احکام قضایی علیه فعالین صنفی، تحصیل رایگان برای کلیه شهروندان و لغو خصوصی سازی مدارس شدند. در سنندج طی قطعه‌نامه‌ای خواهان حضور تشکل‌های واقعی معلمان و فراهم کردن امکان مداخله

گری آنها، بسته شدن پرونده فعالین، آزادی فعالین زندانی، متوقف کردن قراردادهای موقت و سفید امضا و استخدام همکاران پیمانی و قراردادی و شکنی و تامین امنیت شغلی خود شدند. هزاران پلاکارد و سخنرانی‌های متعدد در شهرهای مختلف، امضای طومار، خبررسانی فعال و شعاردادن در برخی شهرها مانند مشهد و بوشهر جایی برای سکوت نیز که برخی تلاش می‌کردند بر اعتراض معلمان حاکم کنند نگذاشت. معلمان بوشهر با بلندگویی که در دست داشتند شعار میدادند: صندوق ذخیره تو اشغال وزیر، خط فقر سه میلیون حقوق ما یک میلیون و معلمان مشهد فریاد می‌زدند معلم زندانی آزاد باید گردد.

تجمعات مکرر و وسیع معلمان در اقضا نقاط کشور به موازات اعتراضات هر روزه و رشد یابنده و عمیق شونده کارگران در مراکز مختلف، نقش تعیین کننده و تاریخساز طبقه کارگر در تحولات کنونی و پیش رو در جامعه را بیان می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۴، ۷ مه ۲۰۱۵

امروز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت علیرغم احضارها و تهدیدات معلمان در برخی شهرها، هزاران معلم در دهها شهر دست به تجمعات اعتراضی زدند و خواست‌های خود را بیان کردند.

در تهران هزاران نفر در مقابل مجلس و در شهرهای بوشهر، سنندج، سقز، همدان، بندرعباس، ایلام، زنجان، هشتگرد، کرمانشاه، اسلام آباد، بروجرد، سبزوار، دامغان، تبریز، ارومیه، تهران، شیراز، اصفهان، قزوین، مشهد، رشت، بابل، ساری، اراک، شهرکرد، چهار محال بختیاری، اردبیل، زاهدان، بروجرد، دهنشت، ابهر و کوهلشت در مقابل ادارات آموزش و پرورش تجمع کردند و با پلاکاردهای متعددی که در دست داشتند و یا با شعار دادن‌های خود اعلام کردند که این وضعیت را نمی‌پذیرند، زیر بار تهدیدات نیروند و قصد کوتاه آمدن ندارند.

در این تجمعات پلاکاردهای متعدد و متنوعی با شعارها و خواست‌های معلمان به چشم می‌خورد: خط فقر سه میلیون حقوق ما یک میلیون، آزادی معلمان زندانی، وزیر بی‌ایقت، استعفا، استعفا، علیه خصوصی سازی مدارس، معلم بیدار است از تبعیض بیزار است، آزادی معلمان زندانی، باقی، باقری و هاشمی و

اعتراضات دور اخیر معلمان از آخر دی ماه سال ۹۳ شروع شده و با شتاب به جلو می‌رود. جمهوری اسلامی که خود را در مقابل طوفان اعتراض معلمان و کارگران ناتوان می‌بیند، از طریق وزارت اطلاعات و برخی نهادهای دیگر شروع به تهدید معلمان کرد و یا اسماعیل عبدی دبیر کانون را تهدید به اجرایی کردن حکم ۱۰ سال زندان نمود اما معلمان این تهدیدات و اقدامات سرکوبگرانه را شجاعانه و با حضور گسترده‌تر در خیابان‌ها پاسخ دادند. در برخی شهرها مقامات سعی کردند حال که تلاش آنها برای جلوگیری از تجمعات به شکست کامل انجامیده است معلمان را به سالن‌های در بسته هدایت کنند اما این تلاش نیز مذنبوحانه بود. از جمله در هشتگرد مدیر آموزش و پرورش از معلمان

درس های گرانبهای کارگران نورد و لوله صفا

اصغر کریمی



گرفتند فردا در سالن آریبی گرد هم آیند و در مجمع عمومی بزرگ خود برای رفتن به مجلس یا وزارت کار یا دیگر اقدامات مقتضی تصمیم بگیرند. ساعت هفت این تجمع با شعارهای کوبنده کارگران بر پیگیری مبارزات خود تا نیل به مطالبات به حقشان به پایان رسید.»

تشکیل مجمع عمومی برای تصمیم به اعتراض در مقابل فرمانداری و باز هم تشکیل مجمع عمومی برای برگزاری مجمع بزرگ کارگران در کارخانه، نمونه ای از یک مبارزه متحد و سازمان یافته و تصمیم مشترک و هم فکری و همدلی کارگران است. کاری که در جریان هر اعتراض و اعتصابی در هر کارخانه ای به سادگی امکانپذیر است و مبارزه کارگران را یک گام موثر به جلو میراند. مجمع عمومی جایی است که هر کارگری خود را در تصمیم شریک میدانند، احساس احترام میکنند، درمورد سرنوشت مبارزه خود تصمیم میگیرند، نمایندگان واقعی خود را انتخاب میکنند، پشت آنها را میگیرند، اعتماد بنفس پیدا میکنند و توطئه ها و تفرقه های دشمنان خود را خنثی میکند. مجمع عمومی پایه و اساس هر تشکل واقعی کارگری است که باید در تکت تکت کارگری در جریان هر اعتصاب و تجمعی به اجرا گذاشته شود و به تشکیل مجمع عمومی منظم تکامل پیدا کند.

ابتکار بسیار مهم دیگر کارگران پلاکارده بزرگ زنده باد اول مه روز جهانی کارگر بود که در سطر دومش معیشت منزلت نوشته شده بود و امضای کارگران دو کارخانه نورد و لوله صفا و نورد و پروفیل ساوه در پای آن بود. سه روز از اول مه گذشته بود اما با اینحال کارگران بر اهمیت این روز برای اتحاد جهانی خود علیه طبقه سرمایه دار واقف بودند و از



به جوابگویی شد که خوشایند کارگران نبود. به قول کارگران ایشان فقط سخنان مدیر کارخانه صفا را تکرار میکرد و از دستگیری رستمی، صاحب کارخانه، نبود مواد اولیه و فروش می گفت و بطور کلی کارگران را به شکستن اعتصاب و شروع به کار دعوت کرد که کارگران ضمن رد تمام ادعاهای او، بر خواسته های خود پافشاری کردند.

یکی از کارگران به او گفت من بعد از ۲۵ سال زندگی مشترک، کارم به طلاق کشیده است مسبب این وضعیت کیست؟ همه کارگران دردهایشان را فریاد میزدند و هریک از درد ورنجی که طی این شش سال گریبانیشان را گرفته بود، سخن گفتند. بنابراین جواب های تکراری و کلیشه ای معاون فرماندار، کارگران به او گفتند ما برای توجیه این وضعیت و فقط صرف جوابگویی شما به اینجا نیامده ایم. ما برای حل مسئله مشخص، چگونگی پرداخت چهار ماه حقوق عقب افتاده و واریز ۱۷ ماه حق بیمه به اینجا آمده ایم و اکنون مشخص شد که این فرمانداری قادر به حل این مشکل نیست.

کارگران با دلی پر از خشم فرمانداری را ترک کردند و در پارک مقابل فرمانداری مجمع عمومی خود را برپا کردند در این تجمع تصمیم

معیشت، منزلت حق مسلم ماست
آیا اعتراض به سطح معیشتمان
جوابش شلاق و زندان است
نه به فلاکت، نه به تورم
یک درصد تامین، نودونه درصد
گرسنه گرسنه
مالیات بر ارزش افزوده، دزدی از
سفره کارگران

کارگران به مدت نزدیک یک ساعت به صحبت چند نفر از کارگران درمورد مطالبات خود و چگونگی تحقق آنها گوش دادند و با فریاد بلند شعار دادند.

در این میان شاپور احسانی راد در سخنان کوتاهی از کارگران خواست ضمن پافشاری ویژه برای خواسته به حق ۴ ماه حقوق معوقه و واریز ۱۷ ماه بیمه، در مقابل تعیین حداقل مزد ۷۱۲ هزار تومانی شورای عالی کار کوتاه نیایند و بر اتحاد و همبستگی کارگران و خواست بر حق کارگران برای ایجاد تشکل کارگری در کارخانه تاکید کرد که مورد استقبال پرشور کارگران قرار گرفت. کارگران پس از لحظاتی شعار دادند، خشمگینانه خواهان جوابگویی فرمانداری به مطالبات شان شدند که آقای معمارنیا معاون سیاسی فرماندار از پشت درب بسته، حاضر

مجمع به پیشنهاد تعدادی از کارگران، شاپور احسانی راد به عنوان یکی از سخنگویان و نمایندگان کارگران برای تحقق خواسته ها و مذاکره با مسئولین معرفی شد که مورد موافقت حاضرین قرار گرفت. مدیریت به محض اطلاع از تصمیم کارگران مبنی بر رفتن به وزارت کار و مجلس، با دستپاچگی در میان کارگران حاضر شد و قول داد که سر هر ماه بموقع حقوق کارگران را پرداخت کند اما این وعده دیگر برای کارگران کارساز نشد و کارگران تصمیم گرفتند ساعت سه و نیم دسته جمعی به فرمانداری بروند. بنابراین این تصمیم قاطع کارگران، مدیریت کارخانه از ترانسپورت خواست که حق ندارند کارگران را به فرمانداری برسانند اما با این حال جمعی از کارگران با هر وسیله ای که توانستند خود را به فرمانداری رسانند.

کارگران بنر بزرگی را که خط اول آن، گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر، و خط دوم آن "معیشت، منزلت" و در انتهای آن کارخانه نورد و لوله صفا و نورد و پروفیل ساوه نوشته بود در محوطه فرمانداری نصب کردند و برگ نوشته هایی حاوی حقوق و مطالبات شان را نیز در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود:

مبارزه کارگران نورد و لوله صفا، نمونه ای از یک مبارزه توده ای و قدرتمند، پیگیر، سازمان یافته، با شعارها و مطالباتی کاملاً طبقاتی و متحد کننده را به نمایش گذاشته است. این مبارزه را باید ارج گذاشت و در سراسر کشور و در تکت تکت کارخانه ها و مراکز کارگری بعنوان یک الگوی خوب و موثر بسط و اشاعه داد.

کارگران کارخانه نورد و لوله صفا در ساوه، روز ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴، سه روز پس از اول مه، روز جهانی کارگر، و در پانزدهمین روز اعتصاب، در مقابل فرمانداری شهرستان ساوه تجمع کردند، شعار دادند، خواست هایشان را با صدای بلند مطرح کردند، رهبرانشان سخنرانی کردند و در مجمع عمومی خود درمورد ادامه مبارزه تصمیم گرفتند.

در گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران چنین آمده است: «از ساعت ۴ بعد ازظهر روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت بیش از ۱۵۰ کارگر به نمایندگی از ۱۰۰۰ کارگر کارخانه نورد و لوله صفا، در مقابل فرمانداری ساوه تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران در این تجمع، خواهان ۴ ماه حقوق عقب افتاده و واریز ۱۷ ماه بیمه های خود شدند.

صبح آن روز کارگران پس از ۱۴ روز اعتصاب، در محل سالن آریبی تجمع کردند و در مجمع عمومی خود تصمیم گرفتند جواب بی محلی مدیریت کارخانه و مسئولین ذیربط، جواب تهدید به اخراج و فشار به کارگران در جهت شکستن اعتصاب و اتحاد کارگران را بدهند. کارگران در مجمع عمومی خود به این نتیجه رسیدند که برای احقاق حق خود باید تجمعات خود را به بیرون از کارخانه در مقابل فرمانداری یا مجلس و وزارت کار ببرند در این

ویژگی های اول مه امسال در ایران

مصاحبه با شهلا دانشفر



با اعتراض پلاکارد خط فقر سه میلیون، حداقل دستمزد یک میلیون را بدست میگیرند، پرستاران هم کنارشان باشند.

اینها همه بیانگر زمینه های اجتماعی مبارزات متحد، و همبستگی مبارزاتی بخش های مختلف جامعه را فراهم کرده است. و همین زمینه هاست که به قطعنامه ها و بیانیه های مشترک ختم میشود.

اهمیت دیگر این مساله و دادن قطعنامه های مشترک، تعیین یافتن بیشتر خواستها به عنوان مبنایی برای اتحاد سراسری در مبارزات است.

از همین رو میتوان گفت که یکی از دستاوردهای اول مه امسال قطعنامه های آن است.

انترناسیونال: کارگران چه خواسته هایی را مطرح کردند؟ اهمیت این خواسته ها و شعارها در چیست و چه چیزی را نشان می دهند؟

شهلا دانشفر: "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "نه به قومیت، نه به ملیت، انسانیت"، "سرمایه دار حیا کن، مملکت رو رها کن"، "قومیت نه، انسانیت آری"، "یک درصد تامین، ۹۹ درصد گرسنه، گرسنه"، صدای انسانیت و آزادخواهی در اول مه امسال بود.

قطعنامه مشترک هفت تشکل کارگری و قطعنامه مشترک معلمان و کارگران در بسیاری از خواستها محور مشترکی داشت. از جمله قطعنامه ۷ تشکل کارگری که کیفرخواستی علیه استثمار جامعه سرمایه داری بود هفته بند مدرن و انسانی است.

یا مثلاً پرستاران برای خواستهایشان طومار اعتراضی داده اند. خواست آنها نیز مثل معلمان، مثل کارگران و مثل بخش های دیگر جامعه اعتراض به حقوقهای زیر خط فقر است و انتظار است که وقتی کارگران تجمع میکنند و میگویند باید دستمزدها در گام اول سه میلیون تومان باشد، و یا وقتی معلم اعتراض میکند و

ما معلمان را بیش از هر وقت در کنار کارگران دیدیم و این بیش از هر وقتی هم سرنوشتی طبقاتی آنان را به نمایش میگذاشت. شرکت معلمان در تجمع ۸ اردیبهشت، همان روزی که قطعنامه هفت تشکل کارگری قرائت شد، قطعنامه مشترک معلمان با کارگران خباز که اساسا محور های مشترکی با قطعنامه هفت تشکل کارگری داشت، خود گوشه دیگری از این اتحاد و همبستگی در اول مه امسال بود. دلیلش نیز به روشنی اینست که خواستهایی مشترک مبارزات کارگران، پرستاران، بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه را به هم گره میزند و نزدیک میکند. و ما گام های اولیه این همبستگی طبقاتی را در اول مه امسال دیدیم. دامنه این همبستگی و اتحاد را باید گسترده تر کرد. بطور مثال همین امروز انتظار است که وقتی که معلمان فراخوان به تجمع برای پیگیری خواستهایشان میدهند کارگران، پرستاران، بازنشستگان و کل جامعه وسیعا در آن شرکت کنند و اعلام همبستگی کنند. چون خواستهای معلمان، خواست های کل جامعه است. اعتراض معلمان به فقر و گرانی و دستمزدهای زیر خط فقر است و یک خواست اساسی شان تحصیل رایگان برای همه است. و اینها خواستهای کل جامعه است و بحث بر سر استانداردهای پایه ای جامعه و یک آموزش و پرورش مدرن و انسانی است.

ما معلمان را بیش از هر وقت در کنار کارگران دیدیم و این بیش از هر وقتی هم سرنوشتی طبقاتی آنان را به نمایش میگذاشت. شرکت معلمان در تجمع ۸ اردیبهشت، همان روزی که قطعنامه هفت تشکل کارگری قرائت شد، قطعنامه مشترک معلمان با کارگران خباز که اساسا محور های مشترکی با قطعنامه هفت تشکل کارگری داشت، خود گوشه دیگری از این اتحاد و همبستگی در اول مه امسال بود. دلیلش نیز به روشنی اینست که خواستهایی مشترک مبارزات کارگران، پرستاران، بازنشستگان و بخش های مختلف جامعه را به هم گره میزند و نزدیک میکند. و ما گام های اولیه این همبستگی طبقاتی را در اول مه امسال دیدیم. دامنه این همبستگی و اتحاد را باید گسترده تر کرد. بطور مثال همین امروز انتظار است که وقتی که معلمان فراخوان به تجمع برای پیگیری خواستهایشان میدهند کارگران، پرستاران، بازنشستگان و کل جامعه وسیعا در آن شرکت کنند و اعلام همبستگی کنند. چون خواستهای معلمان، خواست های کل جامعه است. اعتراض معلمان به فقر و گرانی و دستمزدهای زیر خط فقر است و یک خواست اساسی شان تحصیل رایگان برای همه است. و اینها خواستهای کل جامعه است و بحث بر سر استانداردهای پایه ای جامعه و یک آموزش و پرورش مدرن و انسانی است.

یا مثلاً پرستاران برای خواستهایشان طومار اعتراضی داده اند. خواست آنها نیز مثل معلمان، مثل کارگران و مثل بخش های دیگر جامعه اعتراض به حقوقهای زیر خط فقر است و انتظار است که وقتی کارگران تجمع میکنند و میگویند باید دستمزدها در گام اول سه میلیون تومان باشد، و یا وقتی معلم اعتراض میکند و

مهمی است که به اول مه امسال ویژگی میدهد. در همین رابطه بود که در دهم اردیبهشت جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران را احضار و ۵ ساعت تمام مورد بازجویی قرار دادند و او که از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا بر سر خواست افزایش دستمزدها است و بخاطر آن ۶ سال حکم زندان گرفته است، مورد اخطار قرار گرفت که به خاطر فعالیت هایش به مناسبت روز جهانی کارگر احتمالا تشکیل پرونده دیگری در انتظارش خواهد بود.

این ویژگی اول مه امسال نسبت به سالهای گذشته بود و در دل چنین اوضاع و کشاکشی به استقبال روز جهانی کارگر رفتیم.

انترناسیونال: همبستگی تشکلهای کارگری به چه شکل مطرح خود را نشان داد و از چه اهمیتی برخوردار است؟

شهلا دانشفر: در سوال قبل مختصری به این موضوع اشاره کردم. ولی اجازه دهید بیشتر توضیح دهم. چون نکته بسیار مهمی است. از نظر من یک نقطه قدرت اول مه امسال قطعنامه مشترک هفت تشکل کارگری بود که صفی از اتحاد مبارزاتی بر سر خواستهای سراسری را به نمایش گذاشت. و تداوم این حرکت بدنبال اول مه میتواند یک دستاورد ما بدنبال روز جهانی کارگر باشد.

متحد شدن هفت تشکل کارگری حول یک قطعنامه و خواستهایی که اساسا خواستهای کل جامعه است، بیش از هر چیز نشانگر صف متحدی از رهبران کارگری است که میتوانند حول این قطعنامه و خواستهایش نیرو جمع کنند و حرکت و اعتراض شکل دهند. و این خود یکی از حلقه های کلیدی برای پیشروی بیشتر جنبش کارگری است.

نکته قابل توجه دیگر در همین رابطه در اول مه امسال اینست که

هیات مذاکره کننده لوزان تشکر میکرد، و ناتمام گذاشتن سخنان وی، زیر بساط تبلیغی ارتجاعی شان زدند.

اینها همه ویژگی شرایط برگزاری اول مه امسال نسبت به سالهای قبل را بیان میکنند. از همین رو جدال بر سر برگزاری روز جهانی کارگر امسال بسیار گسترده بود. کارگران که این وضعیت را میدیدند از قبل به استقبال این روز رفتند. از جمله یک اقدام هوشیارانه کارگران در اول مه امسال فراخوان هشت اردیبهشت در مقابل مجلس اسلامی با شعار محوری "معیشت، منزلت حق مسلم ماست"، بود. هماهنگ کننده این تجمع اتحادیه آزاد کارگران ایران بود و در این روز بیش از سیصد نفر در مقابل مجلس گرد آمدند و یکی از لحظات شورانگیز آن زمانی بود که معلمان بازنشسته به صف کارگران پیوستند و شعار "کارگر معلم اتحاد اتحاد" سر داده شد. در این تجمع کارگران با پلاکاردهایی چون "یک درصد تامین و ۹۹ درصد گرسنه، گرسنه"، و با شعارهایی چون "کارگر زندانی آزاد باید گردد، سرمایه دار حیا کن مملکتو رها کن" و...، مقابل مجلس را به صحنه پرشوری از فریاد و اعتراض در گرامیداشت روز جهانی کارگر تبدیل کردند. یک نکته قابل توجه و مهم در این حرکت قرائت قطعنامه ای است که از سوی هفت تشکل کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر داده شده است. قطعنامه ای که در مراسم دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه تهران در گرامیداشت روز جهانی کارگر نیز خوانده شد و مورد حمایت قرار گرفت. قطعنامه ای که بطور واقعی پلاتفرم مبارزه ای متحد بر سر خواستهایست که در آن آمده است و بیش از هر چیز صف متحد تشکلهای و رهبران کارگری در مبارزه بر سر این خواستها را به نمایش گذاشت و این خود اتفاق

انترناسیونال: هفته گذشته اول مه در ایران و در بسیاری از کشورهای جهان برگزار شد. امسال روز جهانی کارگر در ایران چه ویژگی هایی داشت؟

شهلا دانشفر: ویژگی اول مه امسال نسبت به سال های گذشته فضای سیاسی متفاوتی است که امروز در آن قرار داریم. اعتراضات گسترده کارگری، اعتراضات هزاران معلم در دو سه ماهه اخیر، و فضای پر التهاب جامعه، فضای اول مه امسال را شکل داده و ویژگی آن نسبت به سالهای گذشته بود. بعلاوه در همین فاصله و بدنبال توافقات لوزان، حکومت اسلامی که زیر فشار جامعه وادار به نوشیدن جام زهر شده و پای این مذاکرات رفته بود، برای عقب زدن اعتراض جامعه ای که توقع معیشت، منزلت و یک زندگی انسانی دارد، به ماشین سرکوبش شدت داده و بر شمار اعدامهایش افزود. اما کارگران، معلمان و مردم جامعه با گسترده تر کردن اعتراضاتشان، عملا جواب این سرکوبگری ها را دادند و در چنین فضایی رژیم اسلامی از رسیدن روز اول مه و به خیابان آمدن کارگران و مردم معترض به این مناسبت هراس داشت.

حکومت اسلامی از یکسو با تهدید و دستگیری فعالین و رهبران کارگری تلاش کرد با برگزاری روز جهانی کارگر مقابله کند و از سوی دیگر با همدستی خانه کارگرو ایادی اش هفته کارگر را تدارک دید. اما کارگران با رفتن به استقبال اول مه، با قطعنامه های مشترک و بیانیه هایشان و در همان روز جهانی کارگر با بلند کردن شعار "نه قومیت، نه ملیت، انسانیت"، در برابر این تهیدات ایستاده و اول مه را به یک نقطه عطف و پیشروی مهم در جنبش کارگری تبدیل کردند. از جمله با هو کردن محبوب در حالیکه داشت در سخنرانی اش از روحانی و

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

اسلامیت حکومت و اسلام گریزی مردم!

"۹۰ درصد جوانان ما امروز به واسطه رفتار های سیاسی ما از اسلام فاصله گرفته اند" معاون سیاسی استاندار تهران

اصطلاح "فاصله گرفتن" هنوز حق مطلب را ادا نمی‌کند. حقیقت آنست که اکثریت قریب به اتفاق جوانان - یعنی همه منهای آقازاده ها و وابستگان مستقیم به باندهای غارت و چپاول اسلامی - دین و مذهب را کنار گذاشته اند. امکان پرسش و آمارگیری مستقیم از یبیدیان در ایران وجود ندارد اما همه شواهد - از حسین پارتی و هجو امام نقی و جوکهای فیس بوکی علیه خمینی گرفته تا گسترش رابطه جنسی آزاد بین نوجوانان و ازدواجهای سفید امضا تا سوت و کوری مساجد و شکوه و شکایت هر چند ماه یکبار مقامات و امام جمعه ها بخاطر از دست رفتن "اسلام عزیز" - حاکی از آنست که مساله بسیار از فاصله گرفتن جوانان از اسلام فراتر می‌رود. جامعه ایران امروز یکی از آته نیست ترین و ضد مذهبی ترین جوامع دنیا است. و عامل اصلی این مذهب گریزی وسیع و بی سابقه، عبارتست از استفاده حکومتی ها از ظرفیتهای فوق ارتجاعی و ضد انسانی اسلام در سرکوب و غارت و چپاول جامعه. یعنی آنچه جناب معاون استاندار از آن بعنوان "رفتارهای سیاسی ما" یاد میکنند.

"لبه خطرناک" اینترنت فیلتربردار نیست!

"اینترنت و ابزار جدید یک شمشیر دو لبه است که هم می‌تواند سود داشته باشد و هم می‌تواند خطرناک باشد که یکی از وظایف مهم آموزش و پرورش این است که نحوه استفاده درست از این ابزار را به جوانان و نوجوانان ما آموزش دهند" روحانی

خوب بود جناب روحانی کمی هم در مورد مضمون آموزش "استفاده درست از اینترنت" توضیح میداد. لبه خطرناک کدامست؟ ویدئوهای موزیک و رقص و شادی؟ جوکهای ضد اسلامی و دست انداختن آیت الله ها و امامها و مقدسات مذهبی؟ عکسهای بی حجاب زنان و اعتراض علیه حجاب و بستن استادیومها بروی زنان و آپاراتید جنسی؟ هجو ولی فقیه و دیگر "آیات عظام"؟ اعتراض به قتل امثال ستاربهشتی که به همین نوع جرمها بازداشت شد و جانش را زیر شکنجه از دست داد؟ اینها البته برای حکومت اسلامی که عامل همه این مصائب

ورود اسلام به حکومت عملاً آنرا از جامعه بیرون رانده است. امروز با اطمینان میتوان گفت که در جامعه ایران عقیده و ایمان مذهبی جایی ندارد. حتی آن یک درصی هم که دست از اسلام نکشیده است بخاطر عقیده و ایمانش نیست بلکه بدلیل موقعیت و مقام و ثروتی است که با استفاده از "اسلام عزیز" برای خود و باند و بیت خود فراهم کرده است.

ما همیشه گفته ایم که اسلام تنها یک سیستم عقیدتی نیست بلکه یک کار و کسب و یک صنعت منحن - مثل صنعت دخانیات و یا مواد مخدر - در جامعه است که صدها سال شغل آبا اجدادی یا در واقع ممر مفتخوری آیت الله ها و آخوندها و "روحانیون" بوده است. جمهوری اسلامی نمونه بارز و مظهر مجسم رونق کار این صنعت کثیف در ایران است. و در مقابل جامعه گریزان از مذهب ایران نمونه و مظهر آزادگی و آزاد اندیشی ضد مذهبی. تقابل و تضادی که مدت‌هاست در ایران بین فرهنگ پوسیده و منحن مذهبی حکومت و فرهنگ پیشرو و انسانی و ضد مذهبی مردم شکل گرفته است تنها میتواند با پیروزی مردم به فرجام برسد. جامعه ایران آبستن یک رنسانس اته نیستی و تعیین تکلیف نهائی و ریشه ای با سم مذهب است.

است "لبه خطرناک" محسوب میشود ولی برای مردم اینترنت یک ابزار موثر اعتراض و مبارزه علیه حکومت اسلامی است. جمهوری اسلامی نه با "آموزش جوانان و نوجوانان" و نه با سرکوب و بازداشت فعالین اینترنتی و قتل ستاربهشتی ها قادر به رفع این خطر نیست.

اخیرا مشاور دادستان کل کشور ضمن تاکید بر اعمال فیلترینگ هوشمند بر همه سایتهای اینترنتی گفته است فیسبوک همچنان بطور کامل فیلتر خواهد شد. باید به این متحجرین گفت حتی اگر موفق بشوید تمام فضای مجازی را به روی جامعه ببندید زندگی را نمیتوانید فیلتر کنید. توده مردم همانطور که خودتان اعتراف میکنید در زندگی واقعی از اسلام و حکومت اسلامی گریزان شده اند. فضای مجازی تنها بازتابی از فضای واقعی زندگی اجتماعی است و ریشه لبه خطرناک اینترنت در اینجااست!

خانه کارگر باید منحل شود!

به این دسته از هم طبقه ای های خود هستیم."

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز در بیانیه ای به مناسبت روز جهانی کارگر خواستار رفع تبعیض و بی عدالتی نسبت به کارگران مهاجر در ایران میشود. رفع تبعیض از کارگران مهاجر! این جواب قاطع و محکم جنبش کارگری ایران به تفرقه افکنی های دولت اسلامی سرمایه و نهاد دست ساز او است.

بعد از اول مه نیز موجی از اعتراض و محکومیت علیه خانه کارگر شکل گرفت. اتحادیه آزاد در پیامی به کارگران و مردم افغانستان شعار خانه کارگر علیه کارگران افغانی را شعاری فاشیستی خواند و بر همبستگی کارگران ایران با هم طبقه ای های افغانستانیشان تاکید نمود.

فعالین کارگری نیز در مدیای اجتماعی و در مصاحبه با رسانه ها ضمن محکومیت این شعار، خانه کارگر را نهادی حکومتی خواندند که کارکردش "به بیراهه بردن مبارزات کارگران" است. ابراز انزجار نسبت به این شعار خانه کارگر چنان در میان فعالین جنبش کارگری و در جامعه گسترده بود که صادقی معاون خانه کارگر جمهوری اسلامی بلافاصله ناگزیر شد اعلام کند "در نگارش شعارها اشتباه شده است!"

اشتباه خانه کارگر شعارهایش نیست، کل سیاستها و موجودیت اوست. این "اشتباه" را تنها میتوان با انحلال این نهاد دست ساز حکومتی بر طرف کرد.

"کارفرما حیا کن/ افغانی را رها کن؟"

از شعارهای خانه کارگر در روز یازده اردیبهشت

یک نمونه بارز بی حیائی کارفرمایان همین شعار خانه کارگر است! در روز جهانی کارگران، روز اعلام همبستگی و وحدت طبقه کارگر در همه کشورها، نهادی با نام بی مسمای "خانه کارگر" به خود جرات میدهد چنین بی شرمانه علیه اتحاد کارگران تیغ بکشد! این خانه کارگر نیست خانه کارفرما است، ستون پنجم سرمایه داران و حکومت اسلامیشان در جنبش کارگری است.

پاسخ این بی شرمی را کارگران ایران از پیش داده بودند. یک بند قطعه نامه مشترک هفت تشکل مستقل کارگری (اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای کارگران نیشکر هفته تپه، سندیکای کارگران نقاش استان البرز، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری) که در روز هشت اردیبهشت در تجمع کارگران در مقابل مجلس قرائت شد صریحا اعلام میکند:

"ما خواهان رفع هرگونه تبعیض از کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیتها در ایران، توقف فوری اخراج آنان و اعطای حقوق شهروندی

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

ویژگی های اول مه ...

از صفحه ۳

بودند. يك بند دیگر آن اعلام همبستگی با مبارزات معلمان و پرستاران و اتحاد و یکپارچگی مبارزات عموم مردم بود. و بند دیگرش محکوم کردن تلاشهای دولت و خانه کارگر برای تحمیل تشکلهای فرمایشی بر طبقه کارگر ایران نظیر انجمن های صنفی و اتحادیه های دست ساز و غیره در محیط های کار و فراخوان به ایجاد تشکل های مستقل کارگری و پایان دادن به هر گونه ممنوعیت و محدودیتی در ایجاد این تشکلهای بدون دخالت دولت و کارفرمایان بود.

برابری کامل زن و مرد، حق تشکل، حق تجمع، آزادی بیان، اعتراض، راهپیمایی، اندیشه، احزاب و مطبوعات، لغو مجازات اعدام، رفع هر گونه تبعیض از کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیتها و توقف اخراج آنها، آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، دفاع از حقوق کودکان، بازنشستگان و دیگر مطالبات رفاهی از جمله بندهای دیگر این قطعنامه بودند.

بدین ترتیب قطعنامه های مشترک اول مه پلاتفرم مبارزاتی صف آزادیخواهی و انسانیت بود که میتواند سرآغاز يك جنبش مطالباتی وسیع اجتماعی برای کل جامعه باشد.

انترناسیونال: واکنش رژیم در مقابل کارگران چه بود؟

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره مختصری کردم، اعتراضات هر روز کارگران، تجمعات اعتراضی هزاران نفره معلمان و تداوم آن و فضای ملتهب سیاسی جامعه، حکومت اسلامی را از فرارسیدن روز جهانی کارگر به خیابان آمدن صف معترض کارگران و مردم به وحشت انداخته بود. از اینرو جمهوری اسلامی با تمهیدات بسیاری به مقابله با برگزاری این روز برخاست. احضار ها شدت گرفت. دو سه روز مانده به روز جهانی کارگر تعدادی از فعالین و رهبران کارگری همچون محمود صالحی، عثمان اسماعیلی، داود رضوی، ابراهیم

مددی، پدram نصراللهی و ... دستگیر شدند. در روز قبل از آن نیز با بسیاری از فعالین کارگری تماس گرفته شد و آنها را از برگزاری روز جهانی کارگر برحذر داشتند. در عین حال و در کنار این سرکوبها حکومت اسلامی با کمک خانه کارگر و ایادی اش هفته کارگر را ردیف کردند و برنامه های این هفته بعد از تشریفات اولیه رفتن به سر قبر خمینی و دیدار با خامنه ای و لیک گفتن به اقتصاد مقاومتی و سیاست ریاضت اقتصادی حکومت و غیره، به راهپیمایی ختم میشد. شروع این راهپیمایی از خانه کارگر در خیابان ابوریحان و ختم آن به نماز جمعه تهران طراحی شده بودند.

در هر حال جدال اصلی بر سر روز جهانی کارگر را در این راهپیمایی که دولت از طریق ایادی اش خانه کارگر و دارو دسته هایش آنرا کارگردانی کرده بودند، دیدیم. در این روز کارگران با شعار نه قومیت، نه ملیت، انسانیت، قومیت نه، انسانیت آری و شعار معیشت منزلت حق مسلم ماست، جواب شعارهای فاشیستی حکومت اسلامی را دادند. با هو کردن محبوب و ناتمام گذاشتن سخنرانی اش و مجبور کردن آنها به ختم نیمساعت زودتر برنامه هایشان دادند. بطوریکه درست وقتی محبوب سخنانش را با تشکر از روحانی و هیات مذاکره کننده شروع کرد، هو شد و مجبور شد سر و ته بحث را هم بیاورد و این را در ویدئوهای منتشر شده شان نیز میشد دید. اینان از شدت هراسشان از سیل عظیم جمعیتی که به خیابان آمده بود، حتی مجبور شدند که سخنرانی هایشان را در سه ضلع میدان فلسطین، جداگانه انجام دهند و ختم برنامه را فوری اعلام کنند تا کنترل اوضاع از دستشان خارج نشود.

بدین ترتیب کارگران با رفتن به استقبال اول مه و مراسم هشت اردیبهشت، و یا مراسم سندیکای شرکت واحد در پایانه آزادی و کلا جنب و جوشی گسترده ای که بر سر برگزاری این روز داشتند و با تبدیل کردن راهپیمایی دولتی

مهندسی شده خانه کارگری ها به صحنه اعتراضشان، و نیز با قطعنامه های مشترک و ابراز وجود متحد شان در برابر تمهیدات حکومت و خانه کارگرش ایستادند و صدای آزادیخواهی و برابری طلبی را سر دادند.

انترناسیونال: خانه های کارگر و حامیان آن چه نقشی بازی کردند؟ شهلا دانشفر: نقش خانه کارگر همراهی با دولت در برپایی هفته دولت برای قبضه کردن فضای اعتراضی این روز بود. نقش خانه کارگر آوردن شعارهایی در دفاع از دولت روحانی و توافقات هسته ای لوزان بود، و ارزش مصرفش برای آنها برپایی نمایش تبلیغاتی رو به رسانه های غرب بود. نقش خانه کارگر تلاش برای ایجاد نفاق در صفوف کارگران با جلو آوردن شعارهای ارتجاعی و فاشیستی علیه کارگران افغان و نیز فراخواندن کارگران به انتظار و بیعت با اقتصاد مقاومتی و سیاست ریاضت اقتصادی دولت بود. و کارگران با بیان قاطع خواستههایشان، و با هو کردن آنها بی آبرویی را عقب زدند. تا جائیکه خود آنان آمدند و شکستشان را با گفتن اینکه کارشان اشتباه بوده، اذعان کردند. در اول مه امسال خانه کارگر بیش از هر وقت بی آبرو شد.

انترناسیونال: تشکلهای کارگری به خانه کارگر و عوامل رژیم چه پاسخی دادند؟

شهلا دانشفر: خانه کارگر تشکلی دولت ساخته است. يك بازوی سرکوب حکومت در محیط های کارگری است و يك تلاش همیشگی آن ایجاد نفاق و تفرقه در صفوف کارگران، ترمز کردن مبارزات کارگران و نهایتاً کشاندن آن به چهارچوبه های نظام و قانون کار اسلامی بوده است. ضدیت با کارگر جوهر وجودی آنست. در اول مه امسال نیز برای ایفای این نقش کثیف و ارتجاعی اش سنگ تمام گذاشت. اما همانطور که اشاره کردم کارگران در همان اول مه روز جهانی کارگر با هو کردن محبوب دبیر آن و با برافراشتن شعارهای رادیکال و انسانی، جوابشان را دادند. بعد نیز تشکلی چون اتحادیه آزاد



معیشت، منزلت، حق مسلم ماست را نصب کردند و در اعتراضشان با شعار هایی چون سرمایه دار حیا کن، مملکت را رها کن، پاسخ قاطعی به این مرتجعین ضد کارگر دادند.

انترناسیونال: گستردگی برگزاری مراسم های اول مه در چه سطحی بود؟

شهلا دانشفر: جنب و جوش بر سر اول مه گسترده بود. جدا از برنامه هشت اردیبهشت، گرامیداشت روز جهانی کارگر در پایانه آزادی نیز گوشه دیگری از جدال کارگران بر سر برگزاری این روز همبستگی جهانی بود. کارگران سندیکای واحد در حالی این روز را در ۹ اردیبهشت ماه گرامی داشتند که در روز قبلش دو تن از رهبران این سندیکا داود رضوی و ابراهیم مددی بازداشت شده بود و این کارگران وقتی که در صبح این روز برای برگزاری مراسم خود با مانع روبرو شدند، در بعد از ظهر آتروز، تجمع خود را بر پا کردند و يك شعار آنها آزادی فوری ابراهیم مددی و داود رضوی بود.

در کردستان نیز وضع بر همین منوال بود. جمهوری اسلامی بویژه نیروی انتظامی بسیاری به سنجندج آورده بود و شهر کاملا نظامی بود. بطوریکه در شهر سنجندج بطور مشخص سه بار کارگران عازم شدند که مراسمشان را برگزار کنند و با سد نیروهای انتظامی رژیم روبرو شدند.

کارگران خبار در سنجندج، سقز و مریوان تجمعاتی به مناسبت روز جهانی کارگر برپا داشتند.

در دل این جنب و جوش به مناسبت روز جهانی کارگر تجمعاتی نیز در دزفول و اندیمشک برگزار شد. در تبریز هم

کارگران ایران در پیامی پرشور خطاب به مردم شریف افغانستان انزجار خود را از شعارهای فاشیستی خانه کارگر و ایادی اش اعلام داشت و با ارسال قطعنامه ای که علاوه بر این تشکل کارگری، امضای ۶ تشکل دیگر را داشت و اعلام بندی از آن قطعنامه که مستقیماً حمایت خود را از کارگران افغان و غیر ایرانی اعلام کرده بود، همبستگی خود را با کارگران و مردم افغانستان اعلام داشت. در این بند از قطعنامه هفت تشکل کارگری آمده است: "ما خواهان رفع هرگونه تبعیض از کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیتها در ایران، توقف فوری اخراج آنان و اعطای حقوق شهروندی به این دسته از هم طبقه ای های خود هستیم".

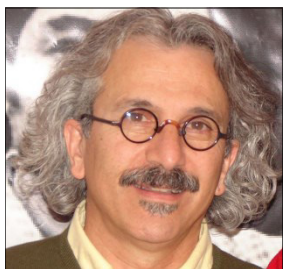
این فشارها بر روی دولت و خانه کارگرش سنگین بود. بطوریکه روز بعد از ۱۱ اردیبهشت صادقی معاون دبیر خانه کارگر از اینکه شعارها "اشتباه" بوده سخن گفت و محبوب از اینکه این راهپیمایی زیر فشار کارگران برپا شد، حرف زد. بدین ترتیب اینان به شکستشان اذعان کرده و بازنده این روز جمهوری اسلامی و ایادی اش خانه کارگر بود.

در عین حال به نظر من يك جواب قاطع به سیاستهای فاشیستی خانه کارگر و عوامل حکومتی، تجمع اعتراضی ای بود که ۱۵۰ نفر از کارگران نورد لوله صفا به نمایندگی از سوی هزار کارگر این کارخانه و برای پیگیری خواستههایشان در روز ۱۴ اردیبهشت برپا داشتند. در این حرکت اعتراضی کارگران پلاکاردی با شعار گرامی باد روز جهانی کارگر که در زیر شعار

پس از توافقات هسته ای حکومت اسلامی و دولتهای ۱+۵

(اپوزیسیون راست)

علی جوادی



(بخش اول این نوشته در شماره ۶۰۳ منتشر شد)

توافقات هسته ای میان حکومت اسلامی و دولتهای ۱+۵ یکی از مهم ترین رویدادهای سیاسی در ایران و به اعتباری در سطح جهان در دوران حاضر است. در بخش قبل این مطلب به دلایل پایه ای تن دادن رژیم اسلامی به این سازش و چرخش استراتژیک سیاسی در سیاست خارجی اش در قبال کشورهای ۱+۵ اشاره شد. در این بخش به تاثیر این تغییر و تحولات بر نیروهای راست اپوزیسیون پرداخته میشود. این نیروها چگونه از این توافقات احتمالی متاثر خواهند شد؟ رابطه آنها با رژیم اسلامی و جامعه دستخوش چه تغییراتی خواهد شد؟ تاکیدات کمونیسم کارگری در این شرایط در قبال این نیروها کدام است؟

از تعریف عمومی این نیروها آغاز میکنیم. اپوزیسیون راست شامل دو جنبش اجتماعی ریشه ای و پایدار در جامعه است. جنبش ملی - اسلامی و جنبش ناسیونالیسم پرو غربی. این دو جنبش در کنار جنبش کمونیسم کارگری آینده تحولات سیاسی جامعه را رقم خواهد زد.

جنبش ملی - اسلامی و توافقات با غرب

جنبش ملی - اسلامی يك جنبش واقعی و گسترده است. بخش عمده اپوزیسیون سازشکار و طرفدار حکومت اسلامی به این جنبش تعلق دارد. این يك قطب سیاسی عقب مانده، ارتجاعی و بیگانه با آزادی و حقوق مردم است. در برگزیده طیفهای متفاوت و محافل و سازمانهای گوناگون است که علیرغم کشمکش های تاریخی مولفه های مشترکی مبنای هویتی این جریان را شکل میدهد. این جنبش بورژوازی شرق زدگان و اسلام زدگان است. جنبشی است که در تقابل با افق غربی و آمریکایی در جامعه شکل گرفت. دارای تمایلات بعضا ضد استعماری، اسلامی، سنتی و غرب گریز است. کلا شرقزده و اسلامزده است. فرهنگ "خودی" و مدرن ستیزی از ارکان فکری این جنبش است. از نظر سازمانی و حزبی جریانات توده ایستی و شاخه

کشور مطرح میکنند و بلندگوهای دولتی و جانبدار دولتی در اختیارشان قرار میگیرد. منفعت جنبشی شان را در به سرانجام رسیدن این توافقات میدانند. از طرف دیگر، يك رکن پایه ای و تعیین کننده آینده و بقای حکومت اسلامی را در تداوم بهبود مناسبات حکومت اسلامی و غرب میدانند. این از رو با شدت و حدت بسیار میکوشند که نیروی ارتجاعی خود را برای به سرانجام رسیدن این پروژه صرف کنند.

این جنبش ارتجاعی در عین حال با تمام قوا میکوشد که توافقات احتمالی غرب و حکومت اسلامی را به اهرمی برای به سازش کشاندن مردم و رژیم اسلامی تبدیل کند. تلاشی که از هم اکنون شدت گرفته است. سیاست اساسی این نیرو در این راستا بر این استوار است که رژیم تغییرات روشن و مهمی را در دوره روحانی آغاز کرده است. "به این تغییرات باید فرصت داد!" مردم در طی پروژه ای چنانچه "صور" باشند، به خواستهای خود خواهند رسید. "اقتصاد چرخش به گردش خواهد افتاد!" آینده جامعه در گرو سرانجام گرفتن این تغییر و تحولات است. قرار دادن ایستگاههای توقف در مقابل حرکت مردم در مقابله با حکومت اسلامی تلاشی است که محور سیاستهای این جنبش در قبال مردم خواهد بود.

این جنبش در عین حال به مقابله خود با سایر جنبشها و نیروها و مشخصا جنبش کمونیسم کارگری شدت بیشتری خواهند بخشید. و در این تقابل حداقل از کمکهای غیر مستقیم پروژه های حکومتی در این راستا برخوردار خواهند شد. مخالفت همه جانبه با هرگونه تلاش برای سرنگونی رژیم اسلامی، مقابله همه جانبه تر با هر تلاش رادیکال و کمونیستی و آزادیخواهانه در راس فعالیتهای ارتجاعی نیروهای این جنبش قرار خواهد گرفت.

ناسیونالیسم پرو غرب ناسیونالیسم محافظه کار طرفدار غرب قدیمی ترین و ریشه دار ترین سنت و جنبش سیاسی در ایران امروز است، ارتجاعی است، اما کهنه نیست. این جنبش بورژوازی ایران

است برای شرکت تمام و کمال در سرمایه داری جهانی و دگرگون شده جهان امروز. این جنبشی است که همونی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی غرب را نه فقط میپذیرد، بلکه هویت خود میداند. خود را نماینده این قطب جهانی در ایران اعلام میکند. از نظر اقتصادی این يك جریان عمیقاً محافظه کار و مدافع بازار آزاد است. از نظر سیاسی کوچکترین توهمی به ایجاد يك سازش طبقاتی بر مبنای تعدیل ثروت در جامعه ندارد و شدیداً آنتی کمونیست و ضد کارگر است. از نظر فرهنگی مدافع مدل جوامع غربی است، اما دقیقاً منطبق بر الگوی ایدئولوژیکی حاکم بر غرب در این دوران، ابدا روشنگر و مدرنیست نیست. بلکه کاملاً خواهان بقای نقش مذهب، باورها و افکار و نهادهای سنتی بعنوان نیروهای کمکی در حفظ اقتدار بورژوازی در برابر طبقه کارگر و سوسیالیسم و کمونیسم کارگری این دوره است. این جنبش با تشدید پروژه زوال جمهوری اسلامی بخشهایی مهمی از اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی و مدافعان رژیم کنونی را در تقابل با کمونیسم و کارگر بخود جذب میکند.

يك رکن مهم پیشروی این جنبش اتکا، به دست راستی ترین و ارتجاعی ترین نیروهای دولتی کشورهای غربی، مشخصاً در آمریکا و اروپا است. همواره در کنار این نیروها ظاهر میشوند. در تلاشند تا حمایت این جریانات از خود را به برگ مشروعیت بخشیدن به خود به عنوان آلترناتیو سیاسی آینده ایران تبدیل کنند. تز عمومی شان این است که اگر آمریکا بخواد آنها در قدرت خواهند بود. تحولات و بالا پائین این جریانات به درجات زیادی تحت تاثیر مناسبات حکومت اسلامی و دول غربی قرار دارد. هر زمان که دول غربی به بند و بست با حکومت اسلامی متوسل شدند این جریانات نیز دچار افسردگی سیاسی و بی آفتی شده اند. هر چند که بخشهای دور اندیش تر این جنبش در طی سالهای اخیر کوشیده اند که سرنوشت مستقلاً برای خود دست و پا کنند و این چنین در پس هر معامله

ای دچار سرگیجه سیاسی نشوند. اما هر درجه نزدیکی و "متعارف" شدن حکومت اسلامی، این جریانات را دستخوش دگرگونی و تشتت میکند. هر چند که عوامل پایه ای تری مبنای تحرك و تداوم این جنبش است.

به لحاظ سیاسی دو سیاست در صفوف این جریانات در قبال حکومت اسلامی قطبی خواهد شد. سیاستی که به دنبال استحاله رژیم اسلامی و تغییرات از بالا است. بر این تصور است که رژیم اسلامی در دراز مدت محاصل و میوه تغییر و تحولات و "چرخش" به سوی غرب را نخواهد چید و ناچاراً حکومتی که در مقابل غرب عقب نشینی کند میتواند در پس پروژه های درونی که حاصل کودتا و استحاله باشد، دگرگون شود به دست نیروهای خارج از حکومت فعلی بیفتد. و اینها خود را به این تحولات دلخوش میکنند. سیاست دیگر اتکاء به تقابیل نظامی و در دستور قرار گرفتن سیاست "رژیم چنج" است. تقابیل این دو سیاست در صفوف جنبش ناسیونالیسم پرو غربی در عین حال انعکاس کشمکشهای درونی هیات حاکمه آمریکا و متحدین اش است.

اما این نیروها هر تصوری که داشته باشند، پروژه شان در قبال مردم و جامعه کم رنگ تر خواهد شد. جریاناتی که خواهان تشدید تحریم های اقتصادی و خواهان تکرار پروژه عراق در ایران هستند، فریادشان این بود که بعد از عراق نوبت ایران است، در این پروژه پروژه شان بی تردید آبرویخته تر خواهد شد.

در خاتمه: تغییر و تحولات مهمی در پیش است. کمونیسم کارگری باید برای مقابله با وضعیت جدید بیش از هر دوره ای آماده تر باشد. کمونیسم کارگری میتواند بیش از هر زمان به نماینده بلامنازع خواست و آرزوهای دیرینه مردم تبدیل شود. باید با تمام قوا دست به کار شد.

ویژگی های اول مه ...

از صفحه ۵

که شهر حالت نظامی داشت، فعالین کارگری و مردم معترض با نصب پلاکاردهایی به مناسبت این روز سعی کردند، روز جهانی کارگر را گرامی بدارند. در میان این تجمعات ابتکار کارگران در دزفول قابل توجه بود و در این شهر تعدادی از کارگران بیکار با شعار یا کار یا بیمه بیکاری در مقابل شرکت شهید رجایی تجمع کردند و با این شعار فریاد اعتراض خود را به مناسبت روز جهانی کارگر سر دادند.

همچنین زندانیان سیاسی در زندانی رجایی شهر روز جهانی کارگر را گرامیداشتند و به این مناسبت بیانیه دادند. زندانیان سیاسی مه‌آباد و کانون نویسندگان نیز با بیانیه ای روز جهانی کارگر را گرامیداشتند.

جا دارد که به سهم خود به همه دست اند کساران و سازماندهندگان این اعتراضات خسته نباشید بگویم و دست تک تک شان را بگریم میفشارم انترناسیونال: جمع‌بندی شما از اول مه امسال چیست؟ جنبش کارگری چه موضوعاتی را باید در

دستور کار خود قرار دهد؟

شهلا دانشفر: اول مه امسال در ایران بطور واقعی ادامه کشاکش وسیعتر و گسترده تری در میان کارگران و کل جامعه بود و این خود را در شعارها، قطعنامه ها و بیانیه ها به روشنی نشان میداد. از نظر من اول ماه مه امسال یک

اول ماه مه امسال بود.

اول مه در عین حال بطور آشکار صحنه جدال صف آزادیخواهی و انسانیت از یکسو و صف ارتجاع حکومت اسلامی و ایادی اش خانه کارگر بود.

اول مه با شکوه بود. اما در عین حال نگاهی به ویژگی فضای سیاسی امروز جامعه و شرایطی که در آن قرار داریم، نگاهی به مبارزات سراسری هزاران معلم در سراسر کشور که فضای شهرها را تغییر داده است، البته به ما میگوید که همه قدرت و توان جنبش کارگری و فضای اعتراضی جامعه همین نبود که در این روز شاهدش بودیم. به نظر من میشد با قدرت بیشتری به خیابان ریخت و کل بساط خانه کارگر و شعارهای فاشیستی اش را در روز ۱۱ اردیبهشت از خیابانها پاک کرد. اگر همه کارگران، اگر همه معلمان، اگر همه پرستاران، اگر

همه بازنشستگان، اگر دانشجویان و اگر همه بخش های معترض جامعه در این روز به خیابان می آمدند. به نظر من امروز جامعه در چنین مکان و موقعیتی قرار گرفته است و این را تجمعات هزاران نفره معلمان و مبارزات گسترده هر روزه کارگران و تبدیل مقابل مجلس اسلامی و مراجع دولتی به محل تجمعات هرروزه کارگری دارد نشان میدهد.

ضمن اینکه همین اول مه راه های پیشروی را در مقابل ما گذاشته است. به نظر من اول مه یک شروع است. و همانطور که جلوتر اشاره کردم اول مه میتواند شروعی برای یک جنبش مطالباتی سراسری باشد که قطعنامه اول مه پلاتفرمش باشد. این پلاتفرم را بدست گیریم، دورش متحد شویم و جلو رویم.

به عبارت روشنتر قطعنامه اول مه فقط مصرف اعلام موضع در این روز معین را ندارد. بلکه یک پلاتفرم مبارزاتی برای عرصه های مختلف مبارزه ما بر سر خواسته های سراسری مان است. باید گرد آن جمع شد و پیگیر این خواستها شد. بویژه اینکه همین امروز جنبشی اجتماعی بر سر خواست افزایش دستمزدها در جریان است. معلمان با قدرت به

میدان آمده اند. و خواست افزایش دستمزدها بالا تر از خط فقر که بندی از قطعنامه است، اکنون دیگر به خواستی وسیع و اجتماعی تبدیل شده است. باید صف متحدی از مبارزه بر سر این خواست شکل داد. بیانیه های جمعی داد و حول آن اعتراض و مبارزه به راه انداخت.

آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و لغو احکام صادر شده زندان برای رهبران کارگری از جمله احکام صادر شده برای جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی که خواست تجمع اعتراضی کارگران در مقابل مجلس در هشت اردیبهشت نیز بود، همچنین پایان دادن به فشار و تهدید بر روی رهبران کارگری خواست فوری دیگری است که در قطعنامه اول ماه مه آمده و اعتراضی سراسری بر سر این موضوع را در دستور ما میگذارد.

همینطور جمع شدن دور خواست لغو مجازات اعدام و اعتراض علیه اعدام ها به عنوان بند دیگری از قطعنامه روز جهانی کارگر و گرفتن این ابزار سرکوب از دست جمهوری اسلامی یکی دیگر از تاکیدات فوری کار ماست.

مساله دیگر پاسخ دادن به فراخوان قطعنامه به امر متشکل شدن و ایجاد تشکلهای مستقل از دولت، خصوصا در محیط های کار است.

و بالاخره اینکه نقش ضدکارگری و تخریبی خانه کارگر و ایادی اش را در روز جهانی کارگر دیدیم، کوتاه کردن دست تشکلهای دست ساز حکومتی از سر مبارزات کارگران و از محیط های کار یک رکن مهم قدرتیگری مبارزات ما ست و باید پیگیری باشیم. و این هم خود بند دیگری از قطعنامه اول ماه مه امسال بود. بویژه انتظار است که تبلیغات فاشیستی و نفرت انگیز این مزدوران در روز جهانی کارگر از سوی تشکلهای مختلف و رهبران کارگری با بیشترین انزجار و نفرت پاسخ گیرد.

و در خاتمه باز هم تاکیدم بر اتحاد کارگری است. ظاهر شدن تشکلهای و رهبران کارگری در کنار همدیگر، عمل مشترک آنها در عرصه های مختلف مبارزاتی یک حلقه کلیدی در جنبش کارگری است. ۷ تشکل کارگری در اول مه این گام اولیه را برداشتند. ولی باید این اتحاد گسترش یابد. انترناسیونال: با تشکر از شهلا دانشفر.

تجمع کارگران کارخانه شرکت کنند، نیز نمونه دیگری است که باید ارج گذاشته شود و به عنوان تجربه ای گرانبها در همه جا و در کارخانه های لوله و نورد صفا و نورد و پروفیل سازه عملی شود.

مبارزات کارگران لوله و نورد صفا و تجمع آنها در مقابل فرمانداری شهرستان سازه در روز ۱۴ اردیبهشت و در کنار آنها تحرك کارگران در اول مه امسال، اعتراضات معلمان و بیانیه ای ۱۷ ماده ای تشکل های کارگری نشان میدهد که طبقه کارگر در ایران گام های بزرگی به جلو برداشته است. کارگران ایران کارگران ده سال و پنج سال قبل نیستند. جهش بزرگی کرده اند و میروند تا متشکل تر، قدرتمندتر، با مطالبات سراسری خود و با کل نیروی خود از جمله نزدیکترین نیروی طبقاتی خود یعنی همسران و اعضای خانواده هایشان به میدان بیایند.

میدهند و راه مقابل کل طبقه کارگر در سراسر کشور میگذارند.

اما در عین حال یک نقطه ضعف در کل مبارزات کارگران کارخانه های لوله و نورد صفا و نورد و پروفیل سازه به چشم میخورد و آن عدم حضور همسران و اعضای خانواده های کارگران در تجمعات اعتراضی آنها است. در این مورد نقش همسران کارگران دستگیر شده در معدن سنگ آهن بافق باید سرمشق کارگران لوله و نورد صفا قرار گیرد. حضور همسران کارگران در تجمعات کارگران این ظرفیت را دارد که مردم شهری را به گرد کارگران متحد کند. مبارزه را بسیار اجتماعی تر، قدرتمندتر و رسانه ای تر کند. به مبارزه کارگران ابعادی براربت قدرتمندتر بدهد و امکان سرکوب کارگران را به شدت پایین بیاورد. همسران کارگران کارخانه کنتورسازی ایران در شهرستان البرز در استان قزوین که در روز ۱۳ اسفند به درون کارخانه رفتند تا در

کارگران برای ایجاد تشکل کارگری در کارخانه تاکید کردند. و کارگران شعار دادند:

کارگر، اتحاد انحاد
معیشت، منزلت، حق مسلم ماست
حقوق معوقه، پرداخت باید گردد
بیمه کارگر، پرداخت باید گردد
کارگر میمیرد، ذلت نمی پذیرد
سرمایه دار حیا کن، مملکتو رها کن
سرمایه دار حیا کن، کارگو رها کن

این مجموعه، از تشکیل مجمع عمومی تا پلاکارد اول مه و پلاکاردهای دیگر، سخنرانی ها و شعارها و تصمیم آخر آنها برای بحث در مجمع عمومی کارخانه برای رفتن به مقابل مجلس و وزارت کار، نشان میدهد که چگونه کارگران با آگاهی بر منافع خود و با سماجت و شجاعت و با اتحاد و بشکلی سازمان یافته مبارزه خود را ارتقا

درس های گرانبهای کارگران نورد و لوله صفا

از صفحه ۳

چادرملو، واهواز و تبریز و دیگر نقاط کشور بود.

"نه به فلاکت، نه به تورم" و "یک درصد تامین، نودونه درصد گرسنه گرسنه" و "مالیات بر ارزش افزوده، دزدی از سفره کارگران"، افشای جوهر و ماهیت نظام ظالمانه سرمایه داری بود.

رهبران و فعالین کارگران سخنرانی کردند و بر خواست های بحق کارگران یعنی خواست پرداخت فوری دستمزدهای معوقه و پرداخت فوری بیمه کارگران تاکید کردند اما در عین حال تاکید کردند که کارگران در مقابل حداقل مزد ۷۱۲ هزار تومانی شورایی کار نباید کوتاه بیایند و بر اتحاد و همبستگی کارگران و خواست بر حق

فرصت استفاده کردند و آنرا در محوطه فرمانداری نصب کردند و مثل خاری در چشم دشمنان خود کردند.

اما روی پلاکاردهای دیگری که در دست کارگران بود نیز جملات مهمی نقش بسته بود که هر کدام خواسته مهم و یا حقیقت تلخی را بیان میکرد:

"معیشت، منزلت حق مسلم ماست". این شعار معلمان در سال ۸۵ در مقابل مجلس اسلامی بود. "آیا اعتراض به سطح معیشتمان جوابش شلاق و زندان است" و این اعتراضی به احکام شلاق و زندان علیه رهبران و فعالین کارگری در سنجند و تهران تا بافق و

مردم آزادیخواه مهاباد در تجمع اعتراضی خود

هتل "تارا" را به آتش کشیدند

طبق گزارشات رسیده به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری جمعیت زیادی از مردم مهاباد به خیابان ریختند تا به جنایت مامور وزارت اطلاعات که منجر به قتل فریناز خسروانی شد اعتراض کنند. مردم خشمگین بعد از رسیدن به مقابل هتل تارا که فریناز خسروانی برای نجات خود از دست مامور وزارت اطلاعات رژیم از طبقه چهارم آن خود را به پایین انداخت، این هتل را به آتش کشیدند. اعتراض همچنان ادامه دارد. مزدوران حکومت در وحشت از گسترش اعتراض مردم مرتکب قتل دیگری شدند و با تیراندازی بسوی جمعیت یک جوان را به قتل رساندند.

جمهوری اسلامی اکنون مرتکب دو جنایت شده است. هم مسئول مرگ فریناز است و هم عامل سرکوب و به قتل رساندن یکی از تظاهرات کنندگان. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری جنایت نیروهای انتظامی را محکوم

میکند و به مردم مبارز و آزادیخواه مهاباد درود میفرستد و از اعتراض آنان قاطعانه حمایت میکند. دولت که میداند یکی از مزدورانش قصد تجاوز به فریناز را داشته و مسبب قتل او شده است، برای جلوگیری از آبروریزی بیشتر تلاش میکند روی مساله سرپوش بگذارد و مانع روشن شدن مساله شود. مردم باید خود کمیته حقیقت یابی تشکیل بدهند و امر تحقیق درمورد مرگ فریناز را بعهده بگیرند و گزارش دقیقی از این اتفاق به مردم بدهند. مزدور وزارت اطلاعات و همدستان احتمالی اش و آمرین و عاملین تیراندازی بطرف مردم باید در یک دادگاه علنی به محاکمه کشیده شوند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

۱۷ شهریور ۹۴، ۷ مه ۲۰۱۵

فراخوان کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به مردم شهرهای کردستان

مردم مبارز و آزادیخواه شهرهای کردستان!

همانطور که اطلاع دارید روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت مردم مبارز مهاباد در اعتراض به کشته شدن فریناز خسروانی که در تلاش برای فرار از تجاوز مامور حکومت از طبقه چهارم هتل تارا به پایین پرتاب شد، به خیابان آمدند که با تیراندازی مزدوران حکومت مواجه شدند. مردم خشمگین مهاباد بعد از تجمع و تظاهرات به محل هتل تارا رفتند، آنجا را به آتش کشیدند و تنفر و نارضایتی خود از جمهوری اسلامی و ماموران وزارت اطلاعات را بنمایش گذاشتند. مردم مهاباد بعد از به آتش کشیدن هتل تارا به یکی از مراکز اطلاعاتی رژیم نیز حمله کردند. بنا به اخباری که تا این لحظه به کمیته کردستان حزب رسیده است در جریان تیراندازی ماموران آدمکش اسلامی یک نفر کشته و سه نفر زخمی شده اند. نباید بیش از این اجازه داد چنین وقایع دلخراشی تکرار شود. بنا به اخبار منتشر شده، مردم شهرهای مریوان،

بوکان، شنو و پیرانشهر اعلام کرده اند که روز جمعه ۱۸ اردیبهشت در حمایت از مردم مهاباد و در اعتراض به کشته شدن فریناز خسروانی دست به تجمع اعتراضی خواهند زد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از همه مردم شهرهای کردستان می خواهد با مردم مهاباد، مریوان، بوکان، شنو و پیرانشهر همراه شده و خشم و تنفر خود را از مزدوران و کل بساط سرکوب حکومت ابراز دارند. حضور گسترده شما مردم آزادیخواه و مبارز شهرهای کردستان در تجمعات اعتراضی و در محکومیت عوامل حکومت اسلامی میتواند اوباشان اسلامی را عقب زده تا بار دیگر به خود جرئت ندهند دست به تجاوز و جنایت بزنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

۱۷ اردیبهشت ۹۴

۷ مه ۲۰۱۵

پریناز خسروانی از ترس تجاوز یک

مامور وزارت اطلاعات خودکشی کرد

اطلاعات از همه مردم مهاباد می خواهیم که در مقابل این جانیان به میدان بیایند. باید ضمن اعتراض و تجمع خواهان دستگیری و محاکمه این جانی وزارت اطلاعات رژیم و همدستان او شد.

پریناز و پرینازها هر روز در معرض تهدید و تجاوز ماموران حکومت اسلامی هستند. پریناز اگر تن به تجاوز میداد سنگسار میشد و اگر در دفاع از خودش این مامور وزارت اطلاعات را میزد سرنوشت ریحانه جباری در انتظارش بود و اعدامش میکردند. او تنها راهی که برایش باقی مانده بود همین بود خود را قربانی کند و اجازه ندهد ماموران خدا به او تجاوز کنند. خانم خسروانی مرگ شرافتمندانه را ترجیح داد و حقارت و کثافت ماموران وزارت اطلاعات و رژیم اسلامی را یک بار دیگر به ثبوت رساند.

مردم آزاده و معترض مهاباد لازم است این لپنهای اسلامی متجاوز را افسار بزنند. باید به خیابان آمد و این جانیان اسلامی را به محاکمه کشید.

کمیته کردستان حزب کمونیست

کارگری ایران

۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴

۵ مه ۲۰۱۵

پریناز خسروانی دختری کارگر در شهر مهاباد بود. او مهماندار هتل "تارا" در این شهر بود. در پی حمله یک مامور اطلاعاتی که قصد تجاوز به او را داشت و درب اتاق را به روی او بسته بود، پریناز ناچار شد از طبقه چهارم هتل خود را به پایین پرتاب کند. متأسفانه پرش او به پایین منجر به مرگ فوری این دختر جوان گردید.

طبق خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه یک مامور وزارت اطلاعات به قصد بازرسی هتل "تارا" آمده بود. اما با هر ترفندی که بوده درب اتاق را به روی پریناز میبندد و به قصد تجاوز به او نزدیک میشود. در این لحظات پریناز به دوستش و همکارش زنگ میزند و تقاضای کمک میکند. اما طبق برنامه از قبل طراحی شده راه کمک رسانی به او ممکن نمیشود. پریناز تنها راه نجات خود را پریدن از طبقه چهارم میداند و با این عمل متأسفانه فوراً جانش را از دست میدهد. گفته میشود این مامور اطلاعاتی بازرس اداره اماکن مهاباد بوده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران این واقعه درد ناک را به خانواده و دوستان پریناز تسلیت میگوید. ما ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه مامور وزارت



مردم شهرهای کردستان به حمایت از اعتراضات

مردم مهاباد می پیوندند

مردم آزاده مهاباد و در محکومیت قتل فجیع فریناز خسروانی برگزار خواهند کرد و با حضور در تجمعات خیابانی تنفر و انزجار خود را علیه ماموران سرکوب و تجاوز و علیه دم و دستگاه جهل و جنایت اسلامی نشان خواهند داد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به مردم شهرهای مهاباد، سنندج، مریوان، پیرانشهر، شنو، بوکان و سقز درود میفرستد و از تمامی مردم دیگر شهرهای کردستان می خواهد که به این حرکت اعتراضی ملحق شوند و روز جمعه و روزهای دیگر نیز اعتراضات و تجمعات خود را در صفی متحد و یکپارچه علیه آدمکشان اسلامی در اشکال تجمع اعتراضی تا اشکال دیگری همچون اعتصاب گسترش دهند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ اردیبهشت ۹۴، ۸ مه ۲۰۱۵

بنا به اخبار رسیده به کمیته کردستان حزب، مردم و جوانان شهر مهاباد از دیروز تا نیمه های شب و متعاقب آن تا صبح جمعه در خیابانها به اعتراضات خود ادامه دادند. فضای شهر مهاباد همچنان ملتهب است و مردم در خیابانها حضور دارند. بنا به خبرهای دریافتی بعد از به آتش کشیده شدن هتل تارا از سوی مردم معترض و خشمگین مهاباد، در اثر تیراندازی نیروهای سرکوب رژیم به سوی مردم، کشته شدن ۱ نفر و زخمی شدن ۱۵ نفر گزارش شده که حال دو تن از زخمی ها وخیم است. بنا به این خبر یک خودروی مزدور رژیم به آتش کشیده شده است.

در همین رابطه مردم شهرهای سنندج، مریوان، پیرانشهر، شنو، بوکان و سقز اعلام کرده اند که تجمع و اعتراضات خود را در روز جمعه ۱۸ اردیبهشت، در حمایت از حرکت شجاعانه

تجمعات گسترده و هزاران نفره معلمان در شهرهای کردستان



آزادخواه حضور داشتند و معلمان را در این حرکت حق طلبانه همراهی کردند. پلاکارد قابل توجه دیگری که در این تجمعات به چشم میخورد چنین است: ما معلمان اخراجی سالهای ۵۹ به بعد حمایت خود را از معلمان شاغل و بازنشسته اعلام میکنیم. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به تمامی معلمان شرکت کننده و دیگر اقشار ناراضی در این اجتماعات درود میفرستد و از خواست های بحق آنان حمایت میکند. حمایت بخشهای مختلف مردم، خانواده های دانش آموزان، کارگران، پرستاران و بازنشستگان از خواستهای معلمان گام بزرگی در جهت تحقق خواست و مطالبات همه مزدبگیران است. همبستگی و اتحاد معلمان در سراسر کشور ضامن موفقیت و پیشروی برای دستیابی به مطالبات بحق معلمان می باشد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ اردیبهشت ۹۴
۲۰۱۵

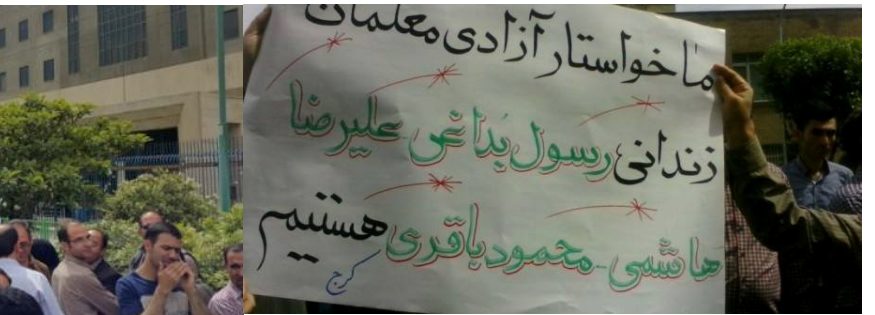
مانند عائله مندی و بهبود شرایط کاری خود و فضای انسانی در مدارس شدند. تجمع کنندگان همچنین به میزان بودجه در نظر گرفته شده برای آموزش و پرورش در سال ۹۴ معترض هستند. در تجمعات امروز قطعنامه های انجمن های صنفی شهرها و استانهای مختلف در این تجمعات قراعت شد و با کف زدن و تاپید مواد آن از جانب معلمان مورد استقبال قرار گرفت. ابعاد وسیع تجمعات امروز در سراسر کشور عمق و گسترش این اعتراضات را یک بار دیگر به همگان نشان داد. شعارهای برجسته این تجمعات از این قرار بود: حقوق معلم یک میلیون خط فقر سه میلیون، وزیر بی لیاقت استعفا، پیشرفت جامعه در گرو رفاه حال معلم است، ما خواهان آزادی معلمان زندانی هستیم، ما خواهان بسته شدن پرونده های امنیتی علیه فعالین صنفی هستیم و.... در این تجمعات علاوه بر معلمان اقشار دیگری از دانش آموزان، معلمان اخراجی، کارگران و مردم

بنا به فراخوان سراسری معلمان تجمعات هزاران نفره معلمان در صبح روز ۱۷ اردیبهشت در شهرهای سنندج، مریوان، بانه، سقز، بوکان و همه شهرهای کردستان در هماهنگی با تجمعات گسترده معلمان در سراسر کشور برگزار و با حضور در مقابل ادارات آموزش و پرورش دست به تجمعات اعتراضی زدند. معلمان در تجمعات اعتراضی خود با تاکید بر مطالبات خود که در اسفند ماه ۹۳ فروردین ۹۴ اعلام نموده بودند، علاوه بر خواست افزایش دستمزد، خواهان آزادی هر چه سریعتر معلمان زندانی و لغو کلیه احکام قضایی علیه فعالین صنفی شدند. معلمان در تجمعات اعتراضی خود و در تاکید و پافشاری بر طرح خواستهایشان در تجمعات ماههای اخیر خواهان آزادی، تشکیل، ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن، استخدام معلمان حق التدریسی، ارائه بیمه درمانی و تکمیلی، اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد و پرداخت سریع و کامل پاداش بازنشستگی، رفع کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه زنان معلم

اعتراضات معلمان در تهران و سایر شهرها

روز هفدهم اردیبهشت طبق قرار قبلی معلمان دور اخیر خود و برای پیگیری خواستهایشان در سراسر کشور از جمله در شهرها و استانهای تهران، کردستان، زنجان، دامغان، همدان، خراسان، کهگیلویه و بویر

احمد، اصفهان و ... دست به تجمعات اعتراضی زدند. معلمان در تهران در مقابل مجلس و در شهرستانها در مقابل مراکز آموزش و پرورش گرد آمدند. معلمان بر خواستهای مهمی چون افزایش حقوق



گزارشهایی از روز جهانی کارگر در ایران و شهرهای مختلف دنیا

سنگینی فشار و خواستهای مستقل کارگران در تظاهرات روز جهانی کارگر تهران

فاصله خط فقر با دستمزدها باید پر شود، به میدان آمدند، شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد را سر دادند، از خواستهای خود و حق بیمه های اجتماعی سخن گفتند، در برابر شعارهای فاشیستی خانه کارگر حمایت خود را از کارگران افغانستانی اعلام داشتند و به این ترتیب بار دیگر خیابانها را از آن خود کردند. تلاشهای مذبوحانه مزدوران خانه کارگر و ممانعت نیروهای سرکوبگر نتوانست امروز از خودنمایی کارگران و سنگینی فشار و خواستهای برحق آنها جلوگیری کند.

کارگران امسال از ۸ مه با تجمع در مقابل مجلس به استقبال روز جهانی کارگر رفتند و با انتشار قطعنامه ای که خواستهای انسانی همه مردم ایران نظیر افزایش دستمزد، بیمه بیکاری، لغو اعدام و پایان دادن به دستگیرهای، رفع تبعیض از زنان و کارگران افغان ساکن ایران و غیره را بیان می کند عزم و اراده خود را برای تغییر وضع موجود به نمایش گذاشتند. جمهوری اسلامی نمی تواند این عزم و اراده را با دستگیری های اخیر در هم بشکند.

آنچه خصلت نمای اول مه امسال و روزها و هفته های قبل از آن است، تحرك گسترده کارگران و معلمان و اتحاد عمیق تر در صفوف طبقه کارگر در سراسر کشور است.

هشت صبح با حضور سه هزار نفره در خیابان فلسطین مارش خود را شروع کردند و هر لحظه بر شمار تظاهر کنندگان افزوده میشد. کارگران از چندین شهر و کارخانجات مختلف و نیز معلمان و پرستاران با شعارهایشان به آنجا آمد بودند. مردم به طرف جلو در حرکت بودند و نیروی انتظامی مانع گسترش تظاهرات کنندگان با شعار نیروی انتظامی خجالت، خجالت، تلاش داشتند به جلو حرکت کنند و مسیر را باز کنند. تجمعات در سه ضلع میدان فلسطین بود و نیروی انتظامی مانع پیوستن این تجمعات به هم بود.

بنا بر خبر ها جمعیت به بیست هزار نفر میرسید. خانه کارگر جمهوری اسلامی که خواب کشاندن راهپیمایی به نماز جمعه را در سر داشت، در برابر صف هزاران نفره کارگران قرار گرفته بود. محبوب به عنوان سخنران این تجمعات با شروع تشکر از روحانی و مذاکره کنندگان لوزان با هو کردن جمعیت روبرو شد و تظاهرات کنندگان مانع سخنانش اش شدند. سرانجام خانه کارگر که اوضاع را پس دید در ساعت یکربع به دوازده تظاهرات را خاتمه شده اعلام کرد. اما همچنان جمعیتی چند هزار نفره در خیابان فلسطین اطراف هستند. نیروی انتظامی نیز همه جا پر است. کارگران و مردم معترض با شعار

در تظاهراتی که امروز بمناسبت روز جهانی کارگر برگزار شد کارگران خواستها و مطالبات مستقل خود نظیر کارگران زندانی آزاد باید گردد، حق بیمه های اجتماعی را مطرح کردند و اعتراض خود به دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر را به نمایش گذاشتند. این در حالیست که خانه کارگر و عوامل و ایادی شان با در دست داشتن شعارهای فاشیستی در مخالفت با کارگران افغانی و با تعریف و تمجید از خامنه ای و روحانی مذبوحانه تلاش کردند از حضور هزاران نفره کارگران در اجتماعات امروز تهران به نفع خود و ایجاد نفاق در میان صفوف طبقه کارگر استفاده کنند.

فشار تظاهر کنندگان چنان زیاد بود که سخنرانی پایانی علیرضا محبوب که با تشکر از خامنه ای و روحانی شروع شد با واکنش کارگران ناتمام ماند. از سوی دیگر برنامه ریزی خانه کارگر برای کشاندن کارگران به نماز جمعه ناکام ماند و جماعت خانه کارگر مجبور شدند راهپیمایی روز کارگر را زودتر از موعد مقرر پایان دهند.

طبق اخبار رسیده نیروهای امنیتی سرکوبگر جمهوری اسلامی از تجمع انبوه کارگران جلوگیری می کردند و سعی می کردند آنها را متفرق کنند. کارگران یکساعت زودتر از آنچه خانه کارگر اعلام کرده بود یعنی از ساعت

سپس یکی از فعالین کارگری ضمن تبریک این روز به همه کارگران به بررسی وضعیت کارگران پرداخت و در انتها با خواندن بیانیه ای که حول خواستها و مطالبات کارگران بود، این جلسه پس از دوساعت خاتمه یافت.



تومان" و "اعدام را بس کنید". ما نیز پلاکاردی تهیه کرده بودیم و با خود برده بودیم که بر رویش نوشته بودیم "احکام زندان و شلاق در حق کارگران را تمام کنید"، "اعدام نه!" سه ربیعی آنجا بودیم و شعار دادیم و بعد با این جمعیت بطرف مجلس رفتیم. در آنجا جمعیت حدود ۳۰۰ نفری میشد. آنجا نیز جمعیت معترض شعار میدادند. از جمله شعارها، "کارگر، معلم، اتحاد، اتحاد"، "ما گرسنه ایم، خط فقر سه میلیون، دستمزد کارگر ۷۱۲ هزار تومان". گارد ویژه و پلیس همه جا حضور داشت. در حالیکه شعار میدادیم یکی از تظاهر کنندگان را گرفتند که به دخالت مردم از دستشان رها شد.

بدین ترتیب تظاهرات خانه کارگری را به صحنه اعتراض خودمان تبدیل کردیم.

جعفر - تهران

ندیمشک

روز جهانی کارگر در اندیمشک با حضور ۵۰ نفر از فعالین کارگری و اجتماعی در این شهر برگزار شد. در این مراسم ابتدا تاریخچه روز جهانی کارگر توسط مجری برنامه گفته شد.

تهران

گزارشی از ایران در باره تظاهرات امروز تهران

تظاهرات خانه کارگر را مردم به صحنه هایی پرشور از اعتراض خود تبدیل کردند. امروز صبح برای بزرگداشت روز جهانی کارگر به همراه همسر به مقابل وزارت کار رفتیم. خبر دادند که جمعیت زیادی در میدان فلسطین و جمعیتی هم در پارک پردیسان که معلمان فراخوان داده اند شکل گرفته است. ما هم به میدان فلسطین رفتیم. ما دیر رسیدیم و مردمی که بودند گفتند که جمعیت پراکنده شده است و اینکه جمعیت معترض اجازه سخنرانی به محبوب را نداده اند.

وقتی رسیدیم جمعیتی حدود پانصد نفری بودند که شعار میدادند "معیشت منزلت حق مسلم ماست"، "ما گرسنه ایم، خط فقر سه میلیون و حداقل مصوب دستمزد ۷۱۲ هزار



گزارشهایی از روز جهانی کارگر...

کارگران در تهران با شعار کارگران زندانی آزاد باید گردد،

تظاهرات خانه کارگر را بدست گرفتند

شهلا دانشفر

تجمع از ساعت هشت صبح با سه هزار نفر در خیابان فلسطین شروع شد و هر لحظه بر شمار تظاهر کنندگان افزوده شد و تعداد آنها به هزاران نفر رسید. کارگران از کارخانجات مختلف و نیز معلمان و پرستاران با شعارهایشان به آنجا آمده بودند. همچنین از شهرهای مختلف برای شرکت در این تجمع اعتراضی به تهران آمده بودند. مردم به طرف جلو در حرکت بودند و نیروی انتظامی مانع گسترش تظاهرات کارگران و مردم بود. تظاهرات کنندگان با شعار نیروی انتظامی خجالت، خجالت، تلاش داشتند به جلو حرکت کنند و مسیر را باز کنند. تجمعات در سه ضلع میدان فلسطین بود و نیروی انتظامی مانع پیوستن این تجمعات به هم بود. بنا بر خبرها جمعیت به بیست هزار نفر میرسید.

خانه کارگر جمهوری اسلامی که خواب کشانن راهپیمایی به نماز جمعه را در سر داشت، در برابر صف هزاران نفر کارگران قرار گرفته بود. محبوب به عنوان سخنران این تجمعات با شروع تشکر از روحانی و مذاکره کنندگان لوزان با هو کردن جمعیت روبرو شد و تظاهرات کنندگان مانع سخنانش اش شدند. سرانجام خانه کارگر که اوضاع را پس دید در

ساعت یکربع به دوازده تظاهرات را خاتمه شده اعلام کرد. اما همچنان جمعیتی چند هزار نفره در خیابان فلسطین اطراف باقی ماندند. در حالیکه نیروی انتظامی نیز همه جا مستقر است. خانه کارگر و ایادی و عوامش پیشرفته با طرح شعارهای فاشیستی علیه کارگران افغان سعی در ایجاد فضای نفاق و تفرقه داشتند و می خواستند خشم کارگران را به جای دولت و سرمایه داران متوجه کارگران افغان ساکن ایران کنند. این در حالیست که کارگران مبارز در قطعنامه های امسال اول مه با صراحت اعلام کرده اند که "ما خواهان رفع هرگونه تبعیض از کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیتها در ایران، توقف فوری اخراج آنان و اعطای حقوق شهروندی به این دسته از هم طبقه ای های خود هستیم".

امسال جدال سنگینی بر سر برگزاری روز جهانی کارگر در جریان است. کارگران از مدتی پیش با قطعنامه ها و بیانیه هایشان و با تدارک تجمعات اعتراضی شان به استقبال این روز رفته اند. امسال بیش از هر سال صف متحد طبقاتی کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و صف ۹۹ درصدها را شاهدیم. جدا از تهران در سنجند، سقز، مریوان، کرمانشاه، تبریز، و شهرهای خوزستان

شاهد تحرکات گسترده برای برگزاری روز جهانی کارگری بودیم. این درحالیست که معلمان نیز به مناسبت این روز در تهران و در کرمانشاه و در اهواز دست به تجمع زده اند. در مریوان به مناسبت روز جهانی کارگر مراسمی بر پا شد و قطعنامه مشترک انجمن صنفی معلمان مریوان، انجمن صنفی کارگران خبازی های مریوان و سروآباد و انجمن صنفی کارگران خبازی های سنجند و حومه خوانده شد.

صف کارگران با قطعنامه هفت تشکیل کارگری به مناسبت اول ماه مه و با خواستهای برابری زن و مرد، لغو مجازات اعدام، آزادی کارگران زندانی، افزایش دستمزدها در قدم اول سه میلیون تومان و دیگر خواسته هایشان، پلاتفرم مبارزاتی متحد خود را اعلام کرد. نمونه دیگری از همین گونه بیانیه ها، قطعنامه مشترک سه تشکل کانون صنفی معلمان، کارگران خباز در مریوان و سقز با خواستهای مشابه است. اول ماه مه با قطعنامه ها و پلاتفرمهای مبارزاتی کارگران و معلمان، در ادامه مبارزات گسترده کارگران و معلمان در دو ماهه اخیر میتواند يك نقطه عطفی در اوضاع متحول سیاسی امروز باشد. زنده باد روز جهانی کارگر.

"کار یا بیمه کاری" در اعتراض اول مه دزفول

میکنیم. در این مراسم یکی از کارگران در مورد ابعاد بیکاری در جامعه و سی و شش سال وضع نابسامان کارگرسحبیت کرد و با اعلام همبستگی با مبارزات کارگران، معلمان در دفاع از معیشتشان و همچنین گرامیداشت روز جهانی کارگر صحبت خود را خاتمه داد. این اعتراض تا حدود دوازده ظهر ادامه داشت. کارگران اعلام کرده اند که به اعتراضشان علیه بیکاری روزهای یکشنبه هر هفته ادامه خواهند داد.

امروز از ساعت ۹ صبح تعدادی از جوانان بیکار از دزفول و شوش و شوشتر که تعدادشان به ۵۰ نفر میرسید در مقابل "شرکت شهید رجایی" در دزفول (شل سابق) به مناسبت روز جهانی کارگر تجمع کردند. معترضین پلاکاردی را که بر روی آن نوشته شده بود "روز جهانی کارگر مبارک باد" بر در ورودی شرکت نصب کرده بودند. شعارهای شرکت کننده عبارت بود از "یا کار یا بیمه بیکاری"، "کار کاراین است شعار بیکار"، "کارگر کارگر حمایت



سندیکای کارگران شرکت اتوبوس رانی واحد تهران در تاریخ ۹ اردیبهشت اول ماه مه را با سر دادن شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، و زنده باد روز جهانی کارگر، جشن گرفتند



برگزاری مراسم روز جهانی کارگر توسط کارگران خبار سنجند



تورنتو: روز جهانی کارگر در تورنتو با شکوه و پرشور برگزار شد. حزب کمونیست کارگری ایران اینبار هم صدای رسای کارگران ایران در تورنتو، بود



نروژ - اسلو:



فنلاند - تامپره



اول ماه مه در شهر استکهلم و شرکت فعال سازمان

جوانان کمونیست



سوئد - گوتنبرگ



برگزاری روز جهانی کارگر در کابل

بناسبت روز جهانی کارگر صدها تن در کابل گرده هم آمدند و این روز را با طرح خواسته‌ها و مطالبات خود گرامی داشتند. شعار اصلی تجمع کنندگان در این گردهمایی کار و مقابله با بیکاری و شرایط نامساعد و ناامن کار بود.

بنا به آمار موجود در حال حاضر ۱۲ میلیون نفر واجد شرایط کار در افغانستان زندگی می‌کنند که ۶۰ درصد آنها بیکارند. بنا به گزارشات حداقل حقوق در افغانستان پنج هزار افغانی است که با این درآمد کسی نمیتواند زندگی خود را اداره کند.

محمد سلیم، یکی از کارگرانی که در این راهپیمایی شرکت کرده بود، گفت: "ما می‌خواهیم در کشور صلح برقرار شود. هیچ کاری نیست. همه بیکارند. مخارج خانواده را نداریم. همه فقیریم. توان پرداخت کرایه خانه

را نداریم. شانزده نفر در خانواده هستیم و پنج هزار افغانی حقوق می‌گیرم. با این پنج هزار افغانی چه کنم؟"

قلندر رجبی، کارگر دیگر گفت: "کلنگ میزنم، چاه می‌کنم. روزی دوصد افغانی میدهند. زن و فرزند دارم. در سه ماه نتوانستم پنج هزار افغانی به دست بیاورم. خواستم این است که به ما کار بدهند. کارگران از صبح تا ساعت پنج منتظر

را نداریم. شانزده نفر در خانواده هستیم و پنج هزار افغانی حقوق می‌گیرم. با این پنج هزار افغانی چه کنم؟"



کانادا - ونکوور: اول ماه

مه روز جهانی کارگر در ونکوور با حضور صدها نفر با راهپیمایی در خیابان و سخنرانی‌هایی در ضرورت افزایش حداقل دستمزد برگزار شد. فعالین حزب نیز در این حرکت که از سوی شورای کارگران شهر فراخوان داده شده بود، شرکت داشتند. مسعود ارزنگ یکی از سخنران این مراسم پر شور بود و از جمله در باره مبارزات کارگران،

معلم و پرستار در ایران صحبت کرد و بر آزادی رهبران زندانیان سیاسی تاکید گذارد!

معلم و پرستار در ایران صحبت کرد و بر آزادی رهبران زندانیان سیاسی تاکید گذارد!



برگزاری مراسم روز جهانی

کارگر در سلیمانیه

روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه، در گرامیداشت اول ماه مه روز جهانی کارگر مراسمی با حضور صدها تن از کارگران و فعالین کارگری در پارک "نالی" شهر سلیمانیه برگزار گردید. کارگران مهاجر ایرانی در کردستان عراق نیز با شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در سلیمانیه با در دست داشتن تصاویر فعالان کارگری بازداشت شده در ایران، ضمن محکوم کردن موج جدید سرکوب

علیه کارگران و فعالان کارگری در آستانه اول ماه مه، خواهان آزادی بی قید و شرط آنان شدند.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

کارگران لوله و نورد صفا با پلاکارد گرامی باد اول مه، روز جهانی کارگر دست به تجمع زدند

وزارت کار و فرمانداری تجمع خواهند کرد و اولین تجمع خود را امروز برگزار کردند. ۱۵۰ کارگر به نمایندگی از طرف ۲۰۰۰ کارگر این شرکت در ساعت ۴ عصر امروز در مقابل فرمانداری ساوه دست به تجمع زدند و شعار دادند: "معیشت، منزلت حق مسلم ماست"، "حقوق کارگر پرداخت باید گردد"، "حقوق معوقه پرداخت باید گردد"، "بیمه کارگر پرداخت باید گردد"، "سرمایه دار حیا کن، مملکتورها کن".

شعارها و پلاکاردهای کارگران لوله و نورد صفا، طبقاتی تر از همیشه، متحدکننده از همیشه و تعرضی تر از همیشه است و میلیونها کارگر و معلم و پرستار و بازنشسته در سراسر کشور را نمایندگی میکند و باید به شعارها و خواستهای میلیون ها نفر در سراسر کشور تبدیل شود.

زنده باد کارگران لوله و نورد صفا

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴، ۴ مه
۲۰۱۵

کارگران لوله و نورد صفا امروز ۱۴ اردیبهشت در پانزدهمین روز اعتصاب در اعتراض به نپرداختن حقوق آنها، مجمع عمومی خود را تشکیل دادند و تصمیم به برگزاری تجمع در مقابل فرمانداری ساوه گرفتند و تصمیم خود را عملی کردند. بر روی یکی از بنرها بزرگی که توسط کارگران حمل میشد نوشته شده بود: "گرامی باد اول ماه روز جهانی کارگر و معیشت و منزلت، از طرف کارگران لوله و نورد صفا و لوله و نورد پروفیل ساوه." و روی پلاکاردهای بزرگ کارگران این شعارها به چشم میخورد: "کارگر کارگر اتحاد اتحاد"، "هزینه زندگی ۳۵۰۰۰۰ تومان حداقل مزد ۷۱۲۰۰۰ تومان"، "۱ درصد تامین تامین، ۹۹ درصد گرسنه گرسنه"، "معیشت منزلت حق مسلم ماست".

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران لوله و نورد صفا بعد از تهدیدات مدیریت شرکت مبنی بر اخراج کارگران، به مدیریت اعلام کردند که در صورت نپرداختن حقوق های معوقه شان، در مقابل مجلس

برای محمود صالحی و عثمان اسماعیلی قرار بازداشت پانزده روزه داده شده است بازداشت ابراهیم مددی و داود رضوی ادامه دارد

دستگیر شدگان اول ماه مه باید آزاد شوند



پدرام نصرالهی



محمود صالحی



ابراهیم مددی



عثمان اسماعیلی

شرکت در مراسم اول مه برحذر کرد، برای جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی دو تن از رهبران طومار ۴۰ هزار امضا بر سر خواست افزایش دستمزدها احکام سنگین زندان ۶ سال و سه سال و نیم صادر کرد و بعد از هشت اردیبهشت نیز دست به دستگیری ها زد.

دستگیر شدگان اول مه، محمود صالحی، عثمان ابراهیمی، ابراهیم مددی و داود رضوی فوراً باید آزاد شوند. فشار و تهدید بر روی فعالین و رهبران کارگری باید فوراً متوقف شود. و احکام زندان جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی باید لغو شود. همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴، ۴ مه ۲۰۱۵
Shahla.
Daneshfar2@gmail.com
http://free-them-now.com

روز ۱۴ اردیبهشت خانواده دو نفر از فعالین کارگری دستگیر شده در شهر سقز، محمود صالحی و عثمان اسماعیلی به شعبه ۵ دادرسی دادسرای انقلاب سنندج رفتند تا پیگیر وضعیت عزیزان خود شوند. در جلسه ای که این خانواده ها با قاضی این شعبه داشتند، به آنها گفته شد که برای آنان قرار بازداشت ۱۵ روزه صادر شده است.

محمود صالحی از چهره های سرشناس کارگری در شهر سقز است که در عصر روز سه شنبه ۸ اردیبهشت در پی حمله نیروهای لباس شخصی به منزل وی در شهر سقز بازداشت و بعد نیز به اداره اطلاعات شهر سنندج منتقل شد.

همچنین روز یکشنبه ۱۳ اردیبهشت همسران ابراهیم مددی و داود رضوی برای پیگیری وضعیت این دو فعال کارگری که در ۸ اردیبهشت دستگیر شده بودند، به شعبه شش دادسرای اوین (شهید مقدسی) مراجعه کردند، اما موفق به ملاقات و حتی تماس تلفنی با ایشان نشدند و به آنها گفته شد که ابراهیم مددی و داود رضوی در بازداشت موقت هستند و معلوم نیست که آنها تا کی در بازداشت خواهند ماند.

در متن همین دستگیری ها در روز ۹ اردیبهشت، دو روز مانده به روز جهانی کارگر پدرام نصرالهی (نه به ز) از فعالین کارگری سرشناس در شهر سنندج و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، دستگیر شد.

جمهوری اسلامی در هراس از برگزاری روز جهانی کارگر، فشار بر روی رهبران و فعالین کارگری را شدت داد. بسیاری از آنان را احضار و از



داود رضوی



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



International Workers Solidarity Committee - Iran